

فصل سوم. دولتین متحدین در نشر معارف و تعالی اوضاع اجتماعی و اقتصادی مملکت خود جدیت نموده و قشون منظم به نسبت وسایل موجود حاضر خواهند داشت.

فصل چهارم. طرفین متعاهدین متعهدند برای نشر معارف و ترقی و تعالی عموم ملل اسلامی و آزادی مسلمانانی که تحت سلطه دول غیر اسلامی که متحد با یکی از طرفین نباشند اقدامات نمایند. در صورت آزاد ساختن این چنین ملتی طرفین متعاهدین آزادی مطلق خواهند داد هر شکل حکومتی که میل آن ملت باشد برای خود اختیار نماید.

فصل پنجم. با اتباع دولتین عاقدین دو خاک همدیگر مانند اتباع کامله الوداد رفتار خواهد شد و بر طبق حقوق بین المللی معموله محکوم محاکم محلی خواهند بود.

فصل ششم. طرفین متعاهدین کوشش خواهند نمود اختلافاتی که بین جماعت سنی و شیعه موجود بوده با وسایل ممکنه منتزع نموده به قسمی که این دو جماعت همدیگر را مسلمان واقعی محسوب نمایند.

فصل هفتم. دولتین متعاهدین می توانند عهدنامه و قراردادهای با دول خارجه ببندند ولی عهدنامه ها و قراردادهای مزبور نباید مخالف منافع اساسی این اتحاد باشد.

فصل هشتم. تصویب این عهدنامه از مقام اعلیحضرت سلطان محمد خامس و اعلیحضرت سلطان احمدشاه قاجار حداکثر تا شش ماه بعد از انعقاد صلح عمومی خواهد بود.

فصل نهم. هر گاه برای اجرای اساسی این معاهده قرارداد جدیدی لازم شود چنین قراردادی میان دولتین منعقد و منضم بدین عهدنامه خواهد شد.

۴

عهدنامه نظام السلطنه و انورپاشا، ۲۲ رجب ۱۳۳۴

عهدنامه ذیل در روز ۲۲ رجب ۱۳۳۴ میان انورپاشا و آقای نظام السلطنه با مشاوره هیئت نمایندگان در بغداد امضا و مبادله گردید. ولی با پیش آمدهای جنگ رسمیت نیافت:

عهدنامه

به تأیید خداوند قادر متعال جناب انورپاشا وزیر جنگ و وکیل سپهسالار قشون عثمانی به نام اعلیحضرت امپراتوری سلطان محمد خامس و جناب نظام السلطنه به نام اعلیحضرت امپراتوری سلطان احمدشاه قاجار، عهدنامه ذیل را منعقد نمودند.

فصل اول. بعد از این و برای همیشه بین دولت عثمانی و دولت ایران اتحاد دفاعی برقرار خواهد بود.

فصل دوم. دولتین متحدین متفقاً و متقابلاً ضمانت می کنند استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت خاکی همدیگر را.

جواز مسافرت وحیدالملک از راه بغداد

کتابخانه شخصی

مأموریت خود اقامت

ایجاب بهرمانه کز اسفند آقای رسیدن سفینه بغداد طریقه راه ماز
فرستاده ای که سفینه حیدرآباد و تبریز تقضیه ده بدین سفر روز
تبریز و راه ماز



ادعای نفوذ حیدرآباد

مأموریت

جواز اقامت وحیدالملک در عثمانی



ایجاب مخصوص اقامت تذکره سی

۱۳۵۸۵۵۱

اسم و شهرت	تابعیتی	رساننده پولان زوجه و اولادینک عددی	اقامت ابتدایی شهر و یا قصبه
خانم مرزا علی احمد خان	ایرانی	پرتو	کابل و استوار

مجلس الملک و وزیر اسیرک موافق اوله ورق اعطا ابتدایی بیاتنامه به مقابل ایستوچی پولیس مرکزندن و قضا قائم مقاملندن بدین اشهر اقامت تذکره سی و برلندر

بوی
کوت
قاسم
برون
جوه
صاحب
مستقل
عدله نایب

مجلس مله سی

۷

دعوت نامه مجلس مبعوثان عثمانی از وحیدالملک

مجلس مبعوثان
حضرتی

اقدام حضرتی

استانبول شریف بیرونده اولاده لهیتت حضرتی شرفه ۱۵ اکتوبر یا از ابرنسی کوفی بعد الظهر
ساعت برده به او غنچه بره یا لوس اولنده کتیده می مقرر فیما فی قبول بیرونکذا استه امید تقدیم
اقرامات اولور افق حضرتی ۱۱ ۱۳۱۶ هـ

بجای مبعوثان خاد وزیر فرسی

قام فرمیس نامه

استانبول مبعوثان

صاحب

۸

ترجمه نامه زیمرمن از وزارت خارجه آلمان
به وحیدالملک، ۱۳ اکتبر ۱۹۱۶

وزارت خارجه

شماره ۸۰۲۷۶۱۸

آقای حاجی میرزا عبدالحسین خان
وحید الملک نماینده مجلس
و غیره و غیره. برلن

برلن ۱۳ اکتبر ۱۹۱۶

آقای نماینده (پارلمان)

در جواب نامه شما در تاریخ نهم این ماه که لطفاً به اینجانب نگاشته‌اید
اینک ذیلاً عین اعلامیه‌ای که به اتفاق جناب آقای خلیل بیک وزیر امور
خارجة ترکیه^۱ تنظیم نموده به اطلاع شما می‌رسانم:
«دولت امپراتوری آلمان اعلام می‌دارد که مجاهدت خود را برای

۱. کذا، ولی در آن زمان نام کشور عثمانی بود.

تضمین استقلال سیاسی و تمامیت خاکی ایران در کنفرانس صلح به کار خواهد برد در صورتی که اعلیحضرت شاه و دولت ایران بی طرفی متمایل خود را در این جنگ جهانی امروزی نسبت به آلمان و متحدین آن حفظ و یا ضد دشمنان آنها اعلان جنگ نماید.»

امضا - زیمرمن

② Auswärtiges Amt. ②

Berlin, le 13 octobre 1916.

A. 27618.
J. Nr. 21244.

Monsieur le Député,

En réponse à la lettre que vous avez bien voulu m'adresser en date du 9 de ce mois, je m'empresse de Vous communiquer la déclaration suivante dont le texte a été rédigé d'accord avec Son Excellence Monsieur le Ministre des Affaires Etrangères de la Turquie Halli Bey:

Le Gouvernement Impérial Allemand déclare qu'il déploiera ses efforts pour obtenir une garantie assurant l'indépendance politique et l'intégrité territoriale de la Perse à la Conférence de la Paix si Sa Majesté le Chah et Son Gouvernement maintiennent une neutralité bienveillante envers l'Allemagne et ses alliés pendant la guerre mondiale actuelle, ou déclarent la guerre contre ses ennemis.

Je Vous prie, Monsieur le Député, d'agréer l'expression

pression de ma parfaite considération.



Hadji Mirza Abdul

Hussein Khan Wahid-ul-Mulk,

Député au Medschliss etc. etc.

Berlin.

میرزا حسین خان و وزیر امور خارجه آلمان جنگنده
و اعلیحضرت شاه و دولت ایران بی طرفی متمایل

LE GÉNÉRAL
DE PERSE

BERLIN

Σ 510

Le 1 juin 1917.

Monsieur le Député,

J'ai l'honneur de porter à votre connaissance que, suivant l'avis reçu de Téhéran, dans une réunion composée de l'élite de divers partis politiques représentant le peuple persan, vous avez été choisi délégué pour exposer, devant le Congrès international des Socialistes qui va avoir lieu à Stockholm, la cause persane et y faire appel; afin que la Perse soit soutenue dans la réparation des maux dont elle souffre.



Mussein Kuli
Ministre de Perse,

Monsieur
Wahidol-Molk
Député de Téhéran au Parlement persan,
Délégué des partis libéraux en Europe.

۹

معرفی نامه وحیدالملک در مقام نمایندگی ایران
در کنفرانس استکهلم، اول ژوئن ۱۹۱۷

نامه ذیل به تاریخ اول ژوئن ۱۹۱۷ به فارسی و فرانسه از سفارت ایران در برلن به عنوان نگارنده رسید:

خدمت آقای وحیدالملک عضو مجلس شورای ملی ایران
و نماینده آزادیخواهان در اروپا

افتخار دارم خاطر جنابعالی را مستحضر دارم که طبق خبری که از تهران دریافت داشته جنابعالی را در جلسه ای مرکب از رؤسای دستجات سیاسی نماینده ملت ایران انتخاب نموده که به عنوان نماینده ملی ایران به کنفرانس بین المللی سوسیالیستها به استکهلم تشریف برده در مجمع نامبرده تخطیاتی که به ایران وارد گردیده ذکر و از حقوق حقه و استقلال ایران مدافعه فرمایید.

دوست جنابعالی، حسینقلی نواب
وزیر مختار ایران در برلن

ایران یکی از آنها است که بیشتر از همه زجر جفای این نیرنگها را کشیده است به طوری که ما را یقین حاصل است که اگر حقیقت اوضاع و گزارشهای ایران ستمدیده در مقابل نظر ملل اروپا گذاشته شود تمام دوستان عدالت و انصاف و هواداران آزادی در این قاره مترقی بر حال این مملکت باستانی ترحم خواهند آورد و در صدد احقاق حق برخواهند آمد. ملت ایران یکی از قدیمیترین ملل و یگانه نمونه ملل متمدنه شرق است که تا به حال باز مانده است و از زمانهای بسیار قدیم دارای یک نژاد خاص و یک تمدن بدیع و یک حیثیت و یک تربیت مشخص بوده و هست. همواره در هر عصری مشاهیر و اساتید علمی و ادبی و سیاسی و صنعتی به وجود آورده است و برای خود مقامی در تاریخ احراز کرده است و کمک بزرگی به پیشرفت انسانیت نموده و هنوز هم در این راه قابلیت لازمه دارد به شرطی که او را از نعمت آزادی محروم ندارند.

تمام نویسندگان اروپایی و سیاحینی که در ایران مسافرت نموده‌اند در هوش فطری و استعداد و ذوق ایرانیان تمجید کرده‌اند. به علاوه این ملت در تمام مشرق زمین سرمشق مهمان‌نوازی و خوش سلوکی می‌باشد و نزاکت طبیعی را در نتیجه تربیت قرون بسیار با ادب و لطف اخلاق و آزادگی سرشته دارد. ملت ایران که در آب و خاک اجدادی خود از زمانهای باستانی کوروش و زرتشت تا زمان حاضر دارای یک ملیت صاف و خالص و متجانس انکارناپذیر بوده، امروز آلت قهر و تعدی مللی گردیده که با او هیچ رابطه تاریخی ندارند و صدها فرسنگ از او دور و از حیث نژاد و ملیت و زبان به کلی با او متباین هستند.

اگر چه در این قرون اخیر ملت ایران قدری در ترقی مادی و معنوی دچار توقف شده بود ولی در این ده سال اخیر ملت ایران یک انقلاب بزرگی را به خود دیده و یک دوره تازه از حیات مدنی و سیاسی و اداری در سرزمین خود آغاز کرده است و این انقلاب که ذاتاً ملی است از جمله

۱۰

اعلامیه ملیون ایران در کنفرانس استکهلم^۱

صورت اعلامیه‌ای که از طرف ملیون و آزادیخواهان ایران به عنوان دادخواهی به انجمن سوسیالیستها در استکهلم پیشنهاد گردید.

آقایان. مدت زمانی است که بعضی از دول اروپا به عزم اجرای مقاصد عناصر سرمایه‌دار و جهانگشایان ممالک خود بنای استعمار و استیلا و تجاوزات در ممالک دیگر که در قطعات مختلف کره زمین واقع است نهاده و یک رشته اصول و مقررات جابرانه برای سهولت اجرای مقصود ناحق خود ایجاد کرده‌اند که سرتاپا استبداد و اجحاف ناشی از هوی و هوس و تمایلات نفسانی بوده و پیوسته نظر خود را به جانب ملل دوردستی انداخته که می‌دانسته‌اند صدای استغاثه آنها به گوش کسی نخواهد رسید. همین سیاسیون بیرحم مادی پرست می‌باشند که یادگار قرون وسطی را از غرب به شرق انتقال داده‌اند.

آقایان. در میان این ممالکی که طرف حرص و طمع‌کاری واقع گردیده

۱. متن حاضر در پاره‌ای عبارات و اصطلاحات با اصل منتشر شده آن (مجله کاوه، دوره دوم، ۱۳۳۸) تفاوت‌هایی دارد.

انقلابهای جدی و صمیمی به شمار می‌رود. سعی و کوشش خرد و بزرگ ملت ایران در راه سرنگونی سلطنت استبدادی چندین صد ساله خود به عمل آورده و از حیث گذشت و جان‌نثاری و رعایت احترام جان و مال اتباع خارجه شایان تحسین است ولی بدبختانه نتایجی که از این همه سعی و کوشش سزاوار بوده به دست نیامده و دو همسایه بزرگ ایران - روس و انگلیس - سدی سدید در مقابل آن کشیده مانع ترقی و آزادی ملت ایران بوده‌اند.

روس و انگلیس از طرفی به تمام وسایل و تهدیدات و اتمام حجت‌ها و قشون‌کشیها و حبس و بند و زنجیر و دار و از طرف دیگر به وسیله بستن راه هر نوع مدد مالی به روی وی، چرخ ترقی ایران را درهم شکسته و به تدریج استقلال آن مملکت را فرو ریخته‌اند. پس از انقلاب نامبرده تا ملت ایران خواست نفس بکشد و در راه آزادی و اصلاحات قدمی بردارد روس و انگلیس به واسطه قرارداد ۱۹۰۷ که برای هر کدام از آنها در ایران یک منطقه نفوذی معین می‌نمود و در حقیقت معنای آن تقسیم ایران بود راه ترقی را بر روی ایران مسدود داشتند و از این تاریخ به بعد در هر موقع مداخله در امور ایران را جایز دانسته و نفوذ خود را به کار انداخته‌اند.

در سوم جمادی‌والاول ۱۳۲۸ هجری قمری دولتین روس و انگلیس ایران را تهدید کرده که اگر بر ضد پادشاه خودشان که بر ضد دموکراسی و مجلس شورای ملی تحریکات می‌نمود، اقدامی نمایند آنها مداخله خواهند کرد و همین طرفداری از استبداد باعث شد که آزادی‌طلبان به واسطه پرهیز از مداخله خارجیان و ضربت به استقلال ایران مجبور به تسلیم شده، از مقاومت خود کاسته و در ۲۳ همان ماه مجلس شورای ملی ایران به دست لیاخوف افسر روسی که در خدمت نظامی ایران بود به توپ بسته شد و دموکراسی موقتاً منسوخ و آن همه جان‌فشانی منسوخ گردید.

در ۲۶ ربیع‌الاول و ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ دولتین روس و انگلیس یادداشت تهدیدآمیز سختی به دولت ایران داده و تقاضا نمودند که دولت ایران در آینده نباید هیچ گونه امتیازی بدهد که در آن احتمال خطر سیاسی و نظامی برای دولتین نامبرده منظور باشد و مخصوصاً امتیازات راجع به مسائل و وسایل ارتباط از هر قبیل و خطوط تلگرافی و بنادر و بدین ترتیب ایران را از یک قسمت اساسی حقوقش محروم داشتند.

در ذیحجه ۱۳۲۹ دولت روس با استصواب و تأیید دولت انگلیس یک اولتیماتوم به دولت ایران فرستاده که دولت ایران باید مستشاران مالیه را که از امریکا استخدام نموده بود منفسل کرده و تعهد نماید که بعدها هیچ مستخدم خارجی اجیر نکند مگر به رضای دولتین.

در سلخ صفر ۱۳۳۰ دولتین روس و انگلیس با تهدید قشون‌کشی فشار آوردند که دولت ایران قرارنامه ۱۳۲۵ روس و انگلیس راجع به ایران را رسماً بشناسد و در حقیقت همان عهدنامه را مبنای سیاست خود قرار دهد و همچنین دولت ایران سلب حق داشتن قشون ملی را از خود نماید و اگر عده بسیار کمی هم مثلاً پنج یا شش هزار نفر بخواهد تشکیل نماید قبلاً مجبور باشد که اجازه دولتین را تحصیل نماید و پس از آن هم در ترتیب تشکیل آن با استشاره آنها کار کند.

جنگ وحشتناک امروزی هم مانع از مداخلات روس و انگلیس نگردید. در ۴ شوال ۱۳۳۵ باز یک یادداشتی به دولت ایران داده و مطالبه کردند که اداره مالیه و قشون ایران به دست مأمورین آنها سپرده شود یعنی مالیه ایران تحت نظارت و اداره یک هیئت مختلطی مرکب از مأمورین روس و انگلیس و بلژیکی و ایرانی در آید که اختیارات تامه در تمام امور مالیه ایران اعم از عایدات و مخارج خود خواهد داشت و به علاوه دو فقره قشون در ایالات شمالی و جنوبی ایران تشکیل شود که هر کدام مرکب از ۱۱ هزار نفر خواهد بود؛ یکی در شمال در زیر اداره افسران

روس و دیگر در جنوب در زیر اداره افسران انگلیس و تمام مخارج و لوازم این قشون را تا آخر جنگ حالیه دولتین خواهند داد.

حاجت به اظهار نیست که کلیه این تقاضاهای دولتین به ترتیبی پیشنهاد دولت ایران می شد که شکی نمی ماند که مقصود دولتین سلب مطلق استقلال ایران می باشد. مقاومت و عدم شتاب دولت ایران در قبول این تقاضاهای اخیر منجر شد به اتمام حجت ربیع الثانی ۱۳۳۵.

تا اینجا فسخ از حرکات ناهنجار دولت روس فقط در سالهای اخیر بوده ولی باید دانست که این دولتین از یک قرن به این طرف متدرجاً به استقلال ایران صدمات متوالی وارد آورده و هر روز این کشور را ضعیف تر نموده و هر قدمی که ایران می خواسته به طرف ترقی و تمدن بردارد وی مانع گردیده به طور کلی می توان گفت که حکومتهای متوالی سلسله رومانوف در رفتار خود نسبت به ایران بدون اختلاف به مضمون وصیت نامه پطر کبیر رفتار نمودند.

این دولت در سال ۱۲۲۸ دولت ایران را از حق داشتن قوای بحری در دریای خزر محروم داشت. در ۱۲۴۴ دولت روس حق امتیاز کاپیتولاسیون اتباع خود را در ایران برقرار نمود که به موجب آن تا امروز اتباع روسیه ولو جانی و قاتل هم باشند از حکم قانون و محاکم ایران خارج هستند و دولت ایران فقط حق تبعید آنها را دارد. این مسئله برای ملل دیگر هم سرمشق شده و هر کدام به عنوان ملت کامله الوداد نظیر آن حقوق و مختصات را برای اتباع خود از دولت ایران خواستار شده و تحصیل نمودند و دولت ایران را در امور داخلی خود مبتلای اشکالات بی حد و حسابی ساختند. در همین سال روسیه حق آزادی گمرک را و در سال ۱۳۰۸ حق ساختن راه آهن و یا امتیاز آن را به خارجه به عنف از دولت ایران سلب نمود و پس از آن در ۱۳۱۸ دولت ایران را از حق استقراض از خارجه محروم داشت. از این قرار دولت روسیه در مدت مزبور به علاوه وسایل مذکوره به صدها

وسایل و نیرنگها که شرح آنها بسیار مفصل است تقریباً تمام حقوقی را که مبنای استقلال یک کشور بر روی آن است از دست دولت ایران بیرون آورده، مملکت و ملت ایران را دچار فقر و فلاکت و ویرانی نموده است. دولت انگلیس هم از طرف خود کوتاهی ننموده رخنه های سخت به استقلال ایران وارد آورده است؛ بانک انگلیس حق انحصاری نشر اسکناس را در ایران دارد بدون آنکه دولت ایران هیچ گونه حق بازرسی در این خصوص داشته باشد. انگلیسها در ولایات جنوبی ایران با رؤسای محلی قرار دادهای مستقلانه گذاشته و در اعمال تجاوزکارانه روس پس از قرارداد ۱۹۰۷ قدم به قدم شرکت کرده اند.

امروزه دولتین روس و انگلیس در شرف خفه کردن ایران و خاموش نمودن آخرین رمق حیات و آزادی آن کشور می باشند و نزدیک است که آخرین ضربت را به این ملت که جز آزادی و ترقی و صلح آرزویی ندارد وارد آورند. روسها علاوه بر آنکه از آغاز قرن نوزدهم تا سال ۱۲۴۴ هجری به تدریج ایالات متعدد از شمال ایران به غصب ضمیمه متصرفات خود کرده در سال ۱۳۲۷ باز قشون به ایران وارد و به بهانه های مختلف به ولایات شمالی استیلا یافته اند. در آغاز سال ۱۳۳۰ بزرگان و پیشروان ملت را در تبریز به دار زدند و بقیه مجبور به جلای وطن گردیدند. در گیلان نیز به همین قرار رفتار کرده اند. در مشهد در یازدهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ بزرگترین زیارتگاه ایرانیان را که برای مسلمانان شیعه حکم بیت المقدس را برای عیسویان دارد به توپ بستند. در ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ نصف بیشتر ایران را تحت استیلا گرفته و پایتخت را زیر تهدید انقراض سیاسی آورده، لگد بر گلوی دولت ایران نهاده، احیای مقاصد خود را که انقراض ایران بود خواستگار شدند.

انگلیس هم در تمام اقدامات فوق همراه با روسها بوده است و الان هم افسران انگلیسی بدون آنکه وقعی به حکومت محلی بدهند در ایالات مختلفه ایران مشغول سرباز گرفتن می باشند.

سرمایه‌داران سواحل نوا و تیمز مصمم هستند که مانع از وزش هر گونه نسیم آزادی و دموکراسی در آسیای وسطی گردند و برای نیل بدین مقصود از هیچ وسیله نامشروعی روگردان نیستند و هیچ یک از قواعد انسانیت و مدنیت و شرافت را مراعات نمی‌دارند.

آقایان. در صورتی که آداب و اخلاق و وجدان اقتضا می‌کند به ضعف و پیرمردان مراعات شود و ریش سفیدها همواره طرف تواضع باشند، چرا نبایستی در اخلاق بین‌المللی نیز همین قاعده مرعی شود؟ چرا نباید ایران را که ریش سفید و یکی از پیرترین ملل متمدنه عالم است به حال خود وا گذاشت و به جای عذاب وی را دستگیری نمود.

آقایان. ایران را زرتشت پدید آورد که قرن‌ها قبل از حضرت مسیح، کشت زمین و کارگری را از نظر دیانت جزو اعمال نیک و صواب قرار داد. ایران وطن بزرگترین شاعر و ادیب شرق سعدی است که در اواسط قرن هفتم چنین سروده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

ایران همیشه مجذوب آزادی و دموکراسی بوده است و امروز نیز فرقه‌های بزرگ سیاسی در آن سرزمین پدید آمده که مرامنامه‌هایشان از اغلب جهات با اصول اعتدالیون موافق است و حتماً اگر مداخلات خارجه آن عامه پرستی نوزاد جوان را زمان داده بود همه مملکت را تسخیر نموده بود. تمام مساعی و کوشش ما مشروطه‌خواهان ایران در این بوده و هست که آزادی کلام و قلم و استماع و جمعیت و تعطیل را با تمام معنی این کلمات به موجب مرامنامه‌های خود در ایران نگاهداری نموده و آزادی افکار و وجدان را برقرار نماییم و در عین صلح و آرامش به ترقی و رفاه زندگانی پرداخته و به بهبودی حال کشاورزان کوشیده از راه حفظ ایران در

مقابل حرص و طمع‌کاری ملل خارجی کمکی به صلح و سلامت عالم نموده باشیم ولی برای انجام این مقصود باید تمامی زنجیرهای سیاسی و اقتصادی که به دست و پای ایران زده شده در هم شکسته گردد و استقلال کامل آن ملت اعاده شود و دول خارجه را در امور داخلی ما مداخله‌ای برجا نماند.

خلاصه ما تقاضا می‌کنیم:

۱- عهدنامه انگلیس و روس ۱۹۰۷ راجع به ایران فسخ شده و آزادی سیاسی و اقتصادی ایران اعاده شود.

۲- ایران در اداره مالیه و قشون خود کاملاً آزاد و مختار باشد و حق ایران در استخدام مستشاران از ممالک خارجه و انتخاب آنها از هر مملکت به او مسترد شود. ایران دارای حق استقرار از خارجه باشد.

۳- ایران آزادی گمرکی داشته باشد و اهالی مملکت مجبور نباشند که برای تحصیل مایحتاج پول خود را به سرمایه‌داران مسکو و لندن داده و کارگر ایرانی از گرسنگی جان بدهد.

۴- ایران حق کشتیرانی در دریا‌های خود و حق استفاده از معادن خود که دولتین همجوار مخصوص و منحصر به صاحب امتیازات خود نموده‌اند داشته باشد.

۵- امتیازات بی‌حد و حساب که به زور گرفته شده و هر یک بندی به دست و پای ملت ایران و استقلال آن گردیده و تمام قیودات و تعهدات جابره که یکان یکان به وسیله اتمام حجت و تهدید گرفته شده منسوخ گردد.

۶- استقلال کامل ایران باید اعاده شود و ملت ایران بتواند در خاک خود به طور آزاد وسائل رفاه و ترقی خود را با صلح و آرامش فراهم آورد. آقایان. صلح‌طلبان دنیا سعی دارند که برای اینکه اوضاع و مناظر وحشتناک این جنگ عالمگیر تکرار نشود یک صلح مستمر و مستحکمی

پایدار و برقرار شود ولی بدیهی است که رفع جنگ بسته به رفع اسباب آن است و یکی از موجبات مهم جنگ و خونریزی همانا مسئله جهانگیری دول استعمارطلب است. جنگ برطرف نمی‌شود مگر وقتی که این طمع و رقابت دول بزرگ در مقهور ساختن ملل مشرق زمین از میان برود والا تا وقتی که این ملل مظلوم باشند دائم در صدد انتقام و مترصد فرصت خواهند بود که آتش کینه دیرینه خود را از خون ظالمین خود دهند.

ایران به حسب موقع جغرافیایی خود همیشه در آینده کانون جدال و کشمکش بین دول اروپایی خواهد بود. همان طور که در گذشته هم منشأ اختلافات و کینه‌ورزیهای سخت مخصوصاً بین روس و انگلیس بوده است. مسئله رقابت روس و انگلیس بر سر ایران همواره از صد سال به این طرف فضای سیاست اروپا را تیره و تار ساخته و حتمی است که اگر این مسئله امروز به طوری که دلخواه ملت ایران است حل نشود، دیری نخواهد گذشت که به پهنای مملکت ایران مانند خاک لهستان میدان جنگهای خونین دیگر خواهد گردید و یگانه چاره‌ای که به نظر می‌آید این است [که] ایران در آسیای وسطی مانند مملکت سویس که اروپای وسطی در امور خود مختار و در دفاع از حقوق خود آزاد باشد تا بتواند در مقابل حرص و طمع خارجی که موجب جنگ و خونریزی است سدی بشود.

آرزوی ما این است که این کنفرانس که به اعتقاد ما نمایندگان نیک و آزادیخواه حقیقی در آن گرد آمده‌اند صدای خود را در همراهی مملکت ستمدیده ما بلند کند و عقیده خود را ظاهر سازد تا تمام سکنه کره زمین این صدا را شنیده و آزادی ایران که در سردفتر تاریخش نجات یهود از اسارت بابل ثبت است و تیسفون پایتخت قدیمش در قرن ششم میلادی پناهگاه فلاسفه مطرود و فراریان روم بود اعاده شود.

اگر واقعاً دولی که ادعا دارند که حامیان ملل ضعیف هستند و چنان که یکی از مهمترین سردسته‌های آنها که رئیس جمهوری یکی از ممالکی

است که تازگی با ایشان متحد شده است، با آب و تاب هر چه تمامتر به طور رسمی اظهار داشت که در راه برقراری اصول ملیت می‌جنگند در گفته خود صادق هستند وقت است که ادعای خود را در ایران که بهترین مصداق ملیت است از قول به عمل آورند.

مجمع اجتماعیون که در ۱۳۳۸ از ۲۳ تا ۲۸ شعبان در کپنهاگ منعقد شده بود در خصوص ایران قرارداد مخصوصی داد که بعضی از مضامین آن از قرار ذیل است:

«نظر به اینکه از آغاز شورش ایران به موجب قرارنامه ۱۹۰۷ میان روس و انگلیس حکومت امپراتور روس در راه جلوگیری از مشروطیت در ایران همه گونه وسایل برانگیخته.

«نظر به اینکه دولت روس چندین بار ظاهراً به بهانه حمایت اتباع خود و حفظ سرحد ولی در باطن به قصد ایجاد مشکلات در مقابل مساعی دموکراتهای آن کشور مداخلات در امور ایران نموده و حتی بعضی اوقات این مداخله به قوه مسلحه نیز متکی بوده است.

«نظر به اینکه قشون و نظمیه روس علناً و با شدت هر چه تمامتر بر ضد آزادیخواهان و رؤسای آنها رفتار می‌نمودند.

«نظر به اینکه امروز هم دولت روس به وسیله عمال مخفی خود در ایران مشغول خدعه و نیرنگ و تحریکات است و قسمت مهمی از قشونش هنوز با وجود بازخواستهای مکرر مجلس شورای ملی و دولت ایران در خاک آن مملکت هستند.

«خلاصه نظر به اینکه دولت روسیه که در داخله مملکت خود در اقدامات خونین خویش بر ضد آزادی مظفریتی دارد و نمی‌تواند مشروطیت را در سرحد خود برقرار ببیند مسلماً در صدد است که با سعی و کوشش هر چه تمامتر حکومت مستبده را از نو در ایران و عثمانی دایر نماید لهذا به مناسبت این اعمال مهم و غامض که برای دو ملت جوان شرقی حکم یک خطر دائمی را داراست مجمع حاضر فرقه‌های اجتماعیون اروپا را با اصرار هر چه تمامتر

ترغیب و دعوت می‌نماید که هر چه از دستشان برمی‌آید در راه خاتمه دادن به رفتار ارتجاعی دولت تزاری روسیه به عمل آورند.»

اینک به نظر می‌آید که دوره تجاوزات تزاری از پای در آمده باشد. اکنون باید دید که دولت جدید روسیه در راه تلافی مظالم آن دوره وحشتناک و ترمیم آن تجاوزات چه کوشش خواهند نمود. آیا پیشروان انقلاب روسیه صدای این مجمع را که حکم محکمه عالی عدالت خواهان را دارد خواهند شنید و دست از سر ایران برخواهند داشت؟ آقایان با وجودی که ما از روسیه زجرها کشیده‌ایم، امروز حاضریم که بدون هیچ کدورتی با ملت روس دوست شده، همسایه مهربان و بی‌آزاری باشیم. ما حاضریم گذشته‌ها را فراموش کنیم و دست برادری به سوی جانشینان تزاری دراز کنیم، به شرط اینکه آنان نیز قلم بر گذشته کشیده با ما مانند یک ملت مستقل و دوست رفتار نمایند.

آقایان. نخبه عدالت‌خواهان! چرا نباید که این اجتماع شما حکم خود را درباره کشور ما اظهار دارد! صدای عدالتخواهی شما به گوش همه ملل دنیا برسد تا دهقانان ایران در کنار کشتزارهای خود بشنوند که حقوق آنها در استکھلم از طرف بهترین عناصر آزادیخواه که خود را مدافع قاطبه رنجبران دنیا قرار داده‌اند دفاع می‌شود.

ما به نام ملت ایران از این مجمع بین‌المللی اجتماع‌یون دادخواهی می‌نماییم که اعلامیه‌ای درباره ایران و حفظ این کشور باستانی صادر نمایند تا در حقیقت این حس عدالتخواهی و نوع‌پروری از طرف آقایان در تمام دنیای امروزی طنین‌انداز گردد و مردم ببینند و بدانند که تحولات امروزی چه به بار آورده و چه نیک‌مردانی برای حفظ نوع، برای جلوگیری از ظلم و ستم، برای احقاق حق مظلومین، برای خراب کردن کاخ استبداد و جور و تعدی قد مردی و مردانگی علم کرده روزگار نوینی را بر پایه صلح و آرامش برای فردای این دنیای مشقت‌بار به وجود می‌آورند.

۱۱

اصول مصوب جمعی از ایرانیان برلن برای اصلاح و ترقی مملکت، ۲۵ رجب ۱۳۳۶

هو

جمعی از ایرانیان مجتمع در برلن برای اصلاحات و ترقی اوضاع مملکت مسائل ذیل را اهم و الزام دانسته و در انجام این مقاصد اتفاق نظر حاصل نموده خود را در رفع موانع و ایجاد مقتضیات پیشرفت آن متعهد می‌دانند.

۱. سعی و کوشش در ازدیاد اقتدار هیئت حکومت و مراقبت در دوام آن. هیئت دولت مادامی که یک اکثریت عظیمه قریب به اتفاق مجلس شورای ملی و در غیاب مجلس ملی یک اکثریت عظیمه قریب به اتفاق از وجوه سیاسیون مملکت آن را در سیاست داخلی طرفدار برهم زدن اساس مشروطیت و در سیاست خارجی خائن مملکت نداند برقرار خواهد بود.

۲. عمده مجاهدات اولیه دولت باید صرف تشکیل قوای نظام و تنظیم قوای تأمینیه و ترتیب مالیه و تأسیس بودجه مملکتی بر طبق قواعد جدیده بشود. دولت برای تشکیلات و تنظیمات مزبوره متخصصین از ممالک

مهرزادین جمع بدون در بر صدقات و رتبه ارضای محکمات و غیره و این جهت در اینکام این مقدمه اتفاق نگذاشته شود و در تاریخ روز...

۱- سرکوشش در تدوین وقت در محبت و در بر این - محبت در بر این - در اینکام این مقدمه اتفاق نگذاشته شود و در تاریخ روز...

۲- عمل محبت در این جهت بر صرف غیر در نظر و غیر در نظر و غیر در نظر و غیر در نظر و غیر در نظر و غیر در نظر و غیر در نظر...

۳- دولت ایران در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت...

۴- دولت ایران در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت...

در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت در این جهت...

بنامه روز پنجشنبه جمع در تاریخ...

خارجه استخدام خواهد نمود. ملیت و طریقه استخدام و اختیارات مستخدمین خارج نباید به هیچ وجه مخالف منافع مملکت و مزاحم اقتدارات دولت باشد. در بودجه مملکت مخارج قشونی بر سایر مصارف مقدم است.

۳. دولت ایران مساعی خود را در الغای امتیازات و تخصیصات حقوقی اتباع خارج به کار برده و برای تأمین منافع حقه خارج در کمال عجله و فوریت قوانین و تشکیلات و جریان عدلیه ایران را موافق اصول معموله دول متمدنه تکمیل خواهد نمود و همچنین دولت هم خود را صرف ابطال کلیه معاهدات و قراردادهای و امتیازات و تعرفه ها که مخالف و مضر به استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ملکی ایران است خواهد کرد.

۴. دولت ایران سیاست بی طرفی خود را حتی القوه ادامه داده با کلیه دول حفظ روابط حسنه می نماید و نیز جد و جهد خواهد کرد که سرمایه و صنایع خارج را از روی اصل آزادی تجارت و طریقه مسابقه جلب نموده و امتیازاتی که به هیچ وجه مخالف منافع سیاسی و اقتصادی مملکت و مزاحم اقتدارات و عملیات دولت نباشد به سرمایه داران داخلی و خارجی خواهد داد.

در برلن به تاریخ بیست و پنجم رجب المرجب ۱۳۳۶

- [امضا] سید ابوالحسن علوی قاسم صور احمد عمارلویی
- سید حسین کزازی وحیدالملک سید محمد رضا مساوات
- حسن تقی زاده محمد علی [کلوب] محمد علی تربیت
- ناصر الاسلام گیلانی محمد علی مافی

پشت تذکره وحیدالملک

Abgemeldet am 15. 7. 18
Respektvoll abgemeldet am 18. 7. 18
am München am 9. 7. 18

Abgemeldet in MÜNCHEN
 am 10. JUL 1918
 nach Berlin
 K. Polizeidirektion
 Fremdenamt
Abgemeldet am 11. 7. 18
Abgemeldet am 12. 7. 18

Abgemeldet in MÜNCHEN
 am 16. AUG 1918
 nach Berlin
 K. Polizeidirektion
 Fremdenamt

Abgemeldet in MÜNCHEN
 am 6. SEP 1918
 nach Berlin
 K. Polizeidirektion
 Fremdenamt

Abgemeldet in MÜNCHEN
 am 9. SEP 1918
 nach Berlin
 K. Polizeidirektion
 Fremdenamt

Abgemeldet am 12. 7. 18
am 21. 9. 18
am 29. 9. 18
am 11. 7. 18
am 12. 7. 18
am 16. Aug 1918
am 6. Sep 1918
am 9. Sep 1918

Polizei-Revier Charlottenburg
Polizei-Revier Charlottenburg
Polizei-Revier Charlottenburg

سالشمار توضیحی

گذشته از بخش نخست یادداشتهای عبدالحسین شیبانی وحیدالملک، یعنی سرگذشت وی در فاصله ترک تهران در محرم ۱۳۳۴ / نوامبر ۱۹۱۵ تا دوره مقارن با عقب نشینی مهاجرین به خاک بین النهرین در جمادى الاخر ۱۳۳۴ / آوریل ۱۹۱۶ که بیشتر به شرح سفر و سوانح راه اختصاص دارد و توضیح چندانی هم نمی طلبد، در حاشیه بخش بعدی و اصلی این خاطرات که در آن به توصیف فعالیت های صاحب خاطرات در مقام نماینده دولت موقتی در برلن اقدام شده است، نکات و رخدادهایی مورد اشاره قرار می گیرد که ارائه توضیحاتی چند درباره آنها بی تناسب به نظر نمی آید. این نکات و رخدادهای را به دو بخش اصلی می توان تقسیم کرد: بخشی که به تحولات نظامی و سیاسی جاری در اروپا مربوط می شود مانند اخبار جبهه های جنگ و برخی دگرگونی های سیاسی، و بخشی که به تحولات مشابه در ایران اشاره دارد که بیشتر به فراز و نشیب های جاری در صفحات غربی کشور مربوط می شود که صحنه رویارویی نیروهای روسیه و عثمانی بود و همچنین کابینه های مختلفی که در این دوره در ایران تشکیل شدند.

برای احتراز از افزودن انبوهی از توضیحات حاشیه ای بر متن

پشت تذکره آستان قدس رضوی

اصلی خاطرات، تلاش شده است که این‌گونه توضیحات کلی‌تر به صورت یک «سالشمار توضیحی» تنظیم و ارائه گردد. لازم به توضیح نیست که در این «سالشمار توضیحی» نه کل تحولات ایران و کشورهای اروپایی در جنگ اول، که فقط حوادث و رخدادهایی مورد توجه بوده‌اند که به نحوی گذرا در خاطرات وحیدالملک به آنها اشاره شده است.

در تدوین مطالب مربوط به تحولات سیاسی و نظامی اروپا در درجه اول از سه کتاب ذیل استفاده شده است.

Philip J. Haythornthwaite, *The World War One Source Book*, Arms and Armour Press, London, 1997; Anthony Livesey, *The Viking Atlas of World War I*, Viking, London, 1994; Stephen Pope and Elizabeth - Anne Wheal, *The Macmillan Dictionary of The First World War*, Macmillan, London, 1997.

و برای تحولات مربوط به عملیات نظامی عثمانی‌ها در مرزهای غربی ایران و همچنین پاره‌ای از تحولات کشور در این دوره، در درجه اول از این کتب استفاده شده است:

W. E. D. Allen and Paul Muratoff, *Caucasian Battlefields*, Cambridge University Press, 1953.

ژنرال جیمز فردریک مابری، عملیات در ایران، جنگ جهانی اول، ۱۹ - ۱۹۱۴، ترجمه کاوه بیات، تهران: انتشارات رسا، ۱۳۶۹.

۳ مارس ۱۹۱۶. تشکیل کابینه سپهسالار تنکابنی: با تشتت و عقب‌نشینی کامل نیروهای ملی که با اوج اقتدار نظامی و سیاسی متفقین - و به‌ویژه روس‌ها - در ایران توأم بود، دولت سپهسالار بر سر کار آمد.

۲۹ آوریل ۱۹۱۶. سقوط کوت‌العماره: با تسلیم نیروهای انگلیسی محصور در کوت‌العماره به نظامیان عثمانی، در مناسبات و موازنه نظامی منطقه دگرگونی مهمی حاصل شد. یکی از مهمترین این دگرگونیها، تلاش جدید نیروهای عثمانی برای پیشروی مجدد در محور خانیقین - کرمانشاه بود.

۶ ژوئن ۱۹۱۶. عقب‌نشینی روس‌ها از قصرشیرین: نیروهای ژنرال باراتوف که در اوائل مه همان سال قصرشیرین را به تصرف درآورده بودند، در برابر پیشروی نیروهای عثمانی قصرشیرین را تخلیه کردند.

۳۰ ژوئن ۱۹۱۶. سقوط کرمانشاه: در ادامه پیشروی نیروهای عثمانی به فرماندهی علی احسان پاشا، نیروهای روسیه نخست کرمانشاه و چندی بعد نیز در ۱۰ اوت همدان را تخلیه کردند.

۱۲ اوت ۱۹۱۶. سقوط کابینه سپهسالار: در پی بحران ناشی از احتمال ادامه پیشروی عثمانی‌ها به سمت تهران، که به تدارک نمایندگان سیاسی و اتباع دول متفق برای ترک پایتخت منجر شد، دولت سپهسالار نیز که در اصل به حمایت متفقین استوار بود، سقوط کرد.

۲۹ اوت ۱۹۱۶. تشکیل دولت وثوق‌الدوله: چندی بعد با توقف پیشروی نیروهای عثمانی - بیشتر بنا به دشواریهای تدارکاتی - بحران حاکم بر تهران کاهش یافت و وثوق‌الدوله ریاست هیئت وزرا را برعهده گرفت.

اوت ۱۹۱۶ (تا ژانویه ۱۹۱۷). جبهه رومانی: رومانی که از آغاز

جنگ بی طرف بود، در تابستان ۱۹۱۷ با توجه به توقف پیشروی آلمان در جبهه غرب، شکست اطریشی‌ها در جبهه ایتالیا و پیشروی روس‌ها در جبهه شرق تحت فرماندهی ژنرال بروسیلوف، تصمیم گرفت که به نفع متفقین وارد جنگ شود. لهذا در ۲۷ اوت پس از اعلان جنگ به متحدین، و برخلاف نظر متفقین که حمله نیروهای نظامی رومانی را به سالونیکا - جنوب شرق - مصلحت می‌دانستند، مواضع اطریشی‌ها را در ترانسیلوانیا مورد حمله قرار داد.

متحدین که انتظار چنین حمله‌ای را داشتند در مقام مقابله برآمده و در اواسط سپتامبر نیروهای مشترک آلمان و اطریش که تحت فرماندهی ژنرال فالکنهاین قرار داشتند وارد عمل شدند و تا ۶ اکتبر کل مواضع از دست‌رفته در ترانسیلوانیا را مسترد داشتند. در این میان نیروهای نظامی بلغارستان نیز که در اوائل سپتامبر همان سال بر ضد متفقین اعلام جنگ داده بود، در کنار واحدهای نظامی آلمان و عثمانی و تحت فرماندهی ژنرال مکنزن بر ضد رومانی وارد جنگ شد و نیروهای مشترک رومانی، صربستان و روسیه را از منطقه دُبروجا واقع در جنوب شرقی رومانی عقب راند.

درحالی‌که نیروهای نظامی رومانی و متحدانش در دو جبهه درگیر بودند و تلاشهای متفقین برای ارسال نیروهای امدادی به جایی نرسید، ژنرال مکنزن در اواخر اکتبر حمله خود را از سمت جنوب از نو آغاز کرد. یکی از نخستین نتایج این حمله سقوط گنستاتنا، بندر عمده رومانی در ۲۳ اکتبر بود. در پی این تحولات، در اوائل نوامبر ژنرال فالکنهاین نیز پیشروی خود را از سر گرفته، و والاشیا را تصرف کرد. بوخارست در ۶ دسامبر سقوط کرد و باقیمانده نیروهای نظامی رومانی به مُلداوی عقب نشسته و در اواخر ژانویه ۱۹۱۷ در امتداد رود سیرت مستقر شدند.

اگرچه تلاشهای بعدی نیروهای متحدین برای عبور از رود سیرت و

تعقیب قوای رومانی به جایی نرسید، ولی رومانی با برجای گذاشتن ۳۵۰ هزار نفر تلفات و از دست دادن $\frac{۳}{۴}$ قلمرو خود که منابع اقتصادی مهمی چون معادن نفت را شامل می‌شد، ارزش نظامی و سیاسی خود را از دست داده و تا پایان جنگ نقش مهمی ایفا نکرد.

اکتبر ۱۹۱۶. نبردهای سُم و وِردَن: گذشته از تحولات رومانی که در بخش بعدی بدان اشاره خواهد شد، نبردهای جاری در سُم و وِردَن نخستین مضامینی هستند از رشته تحولات نظامی جبهه غرب که در یادداشتهای وحیدالملک، پس از ورود وی به برلن منعکس می‌شود. هردوی این موارد، نبردهایی بودند از یک سلسله عملیات گسترده‌تر که مدتی پیش از ورود او به اروپا آغاز شده و تا از حرکت ایستادن نیز راه درازی در پیش داشتند.

عملیات سُم که مهمترین تهاجم متفقین در جبهه غرب در سال ۱۹۱۶ محسوب می‌شد از اول ژوئیه آغاز و تا اواسط فوریه همان سال به طول انجامید. پیشرفتهای محدود متفقین، نیروهای انگلیسی در امتداد محور فِلیِر - کورسِلِت (۱ - ۲۰ اکتبر) و ارتفاعات آنکر (۱ - ۱۱ اکتبر) و نیروهای فرانسوی در اطراف شُل و ماروُل در بخش جنوبی جبهه در همین دوره، نبردهای مورد اشاره در خاطرات وحیدالملک است.

آنچه نیز وی در ادامه این یادداشتهای در ۲۶ اکتبر، تحت عنوان چیرگی مجدد فرانسوی‌ها بر وِردَن مورد اشاره قرار می‌دهد نیز بخشی از یک رشته نبردهای طولانی‌ترین، و از حیث تلفات سنگین‌ترین کارزار جنگ اول جهانی یاد شده است. این رشته جنگها از اواسط فوریه ۱۹۱۶ آغاز و تا اواسط دسامبر همان سال در حول و حوش دژ شهر وِردَن واقع در کناره رود مُز ادامه یافت.

با شروع عملیات نیروهای انگلیسی در جبهه سُم در تابستان همان

سال - چنان‌که اشاره شد - و لهذا ناتوانی آلمانی‌ها در تقویت جبههٔ وردن، عملیات فرانسوی‌ها در این بخش افزایش یافت و در اواخر اکتبر، قلعهٔ مُمان و بخشهایی دیگر از این منطقه که فتح آن برای آلمانی‌ها چهارماه به طول انجامیده بود، از نو در تصرف فرانسوی‌ها قرار گرفت.

۷ دسامبر ۱۹۱۶. استعفای اسکویث: در اواخر سال ۱۹۱۶ کابینهٔ هربرت اسکویث رهبر حزب لیبرال که از ۱۹۰۸ ریاست وزرای بریتانیا را برعهده داشت با توجه به بن‌بست حاصله در جنگ و به‌ویژه تلفات سنگین نیروهای انگلیسی در سُم و دیگر جبهه‌های نبرد در موقعیت دشواری قرار گرفت. لوید جُرج که در این دوره وزارت مهمات را برعهده داشت با حمایت برخی از سیاستمداران حزب محافظه‌کار موجبات استعفای اسکویث را فراهم کرد و خود در ۷ دسامبر ۱۹۱۶ ریاست دولت را در دست گرفت.

دسامبر ۱۹۱۶. تجدید فعالیت‌های نظامی روسیه در جبههٔ ایران: همزمان با شروع تعرض مجدد نیروهای انگلیسی در جبههٔ بین‌النهرین که از اواسط دسامبر با پیشروی قوای ژنرال مود به سمت بغداد آغاز شد، جبههٔ ایران نیز که در پی استقرار نیروهای عثمانی در همدان در اوت همان سال آرام گرفته بود، از نو صحنهٔ یک رشته رویارویی‌های جدید واقع شد. سپاهیان روسیه در دو گروه - نیروهای ژنرال چرنوزوبوف در محور تبریز - رواندوز - موصل و نیروهای ژنرال باراتوف در محور قزوین - کرمانشاه - بغداد آماده شدند که قوای عثمانی را که بخش اصلی آن در همدان مستقر بود و واحدهایی را نیز در سنندج و بیجار از یک سو و بروجرد و دولت‌آباد از سوی دیگر قرار داده بود، مورد حمله قرار دهند. درحالی‌که نظر به شکست‌های پی‌درپی عثمانی‌ها در جبههٔ بین‌النهرین

عقب‌نشینی واحدهای عثمانی از خاک ایران آغاز شده بود، نیروهای روسیه بدون مقاومت چندانی به سمت همدان و دیگر نقاط غرب ایران پیشروی کرده و در ۱۰ مارس ۱۹۱۷ - همزمان با سقوط بغداد به دست نیروهای انگلیسی - در کرمانشاه مستقر شدند. نیروهای نظامی روسیه در ۲۰ آوریل ۱۹۱۷ به خانقین رسیدند.

۲۶ مارس ۱۹۱۷. مقدونیه: تلاش متفقین برای حمایت از ارتش صربستان در مراحل نخست جنگ، در اکتبر ۱۹۱۵ به استقرار نیروهایی در بندر سالونیکا - واقع در بخش ساحلی مقدونیه در کنارهٔ دریای اژه - منجر شد. اگرچه پیش از فرا رسیدن نیروهای امدادی متفقین، قوای صربستان شکست خورد و به آلبانیا عقب نشست، ولی نیروهای متفقین که تحت فرماندهی ژنرال سِرای فرانسوی قرار داشتند، در مقدونیه برجای مانده و در اطراف سالونیکا مواضعی دفاعی اتخاذ کردند.

تلاش‌های مکرر ژنرال سِرای برای درهم شکستن خط محاصرهٔ نیروهای بلغارستان و آلمان - از جمله یورش مارس ۱۹۱۷ او که در خاطرات وحیدالملک مورد اشاره قرار گرفته است - هیچ‌یک به نتیجه نرسید و فقط در مراحل پایانی جنگ و بعد از عقب‌نشینی واحدهای آلمانی بود که نیروهایی متفقین توانستند تحت فرماندهی ژنرال دِسپری، نیروهای بلغارستان را عقب رانده و جبههٔ مقدونیه را از نو تحرک بخشند.

آوریل ۱۹۱۷. آراس: تلفات هولناک و بی‌نتیجهٔ متفقین در وردن و سُم به دگرگونی‌هایی در خط مشی نظامی متفقین منجر شد؛ گذشته از پاره‌ای تغییرات و نوآوری‌های تاکتیکی، انتصاب ژنرال نیول - «فاتح» وردن - به جای ژنرال ژُفر در مقام فرماندهی کل قوا از مهمترین این تغییرات بود. تهاجم جدید متفقین در جبههٔ آراس - ۹ آوریل - که یکی از مهمترین

نتایج این دگرگونیها بود نیز همانند دیگر عملیات جبهه غرب در آن دوره، پس از یک رشته پیشرفتهای جزئی در برخی نقاط، بهرغم تلفات سنگینی که به بار آورد - ۱۵۰۰۰۰ نیروی انگلیسی، در برابر حدود ۱۰۰۰۰۰ سرباز آلمانی - بازهم به یک گشایش استراتژیک منجر نشد و کل عملیات، پس از چند هفته، در اوایل ماه مه از حرکت ایستاد.

مه ۱۹۱۷. جبهه ایتالیا: ایتالیا که از دیرباز نسبت به متصرفات اطریش در بالکان نظر داشت با ملاحظه ناتوانیهای نظامی اطریش در مراحل نخست جنگ تصمیم گرفت به نفع متفقین وارد جنگ شود، لهذا در مه ۱۹۱۵ بر ضد اطریش اعلام جنگ داد.

استراتژی نظامی ایتالیا در این رویارویی اتخاذ یک خط مشی دفاعی در ترنتینو - بخش کوهستانی مرزهایش با اطریش در شمال - و اتخاذ یک خط مشی تهاجمی در ایسونزو، بخش نسبتاً جلگه‌ای این مرزها در جنوب شرق بود. حملات اولیه ایتالیایی‌ها به فرماندهی ژنرال کادونا در جبهه ایسونزو - چهار یورش در فاصله ژوئن تا دسامبر ۱۹۱۵ - بهرغم تلفات سنگینی به نتیجه قابل توجهی نرسید. درحالی‌که یورش چهارم کادونا در همان جبهه آغاز شده بود، اطریشی‌ها در اواسط مارس ۱۹۱۶ در جبهه کوهستانی ترنتو بر ضد ایتالیایی‌ها وارد عمل شدند، ولی این اقدام نیز جز از حرکت انداختن یورش پنجم ایتالیایی‌ها در ایسونزو و برخی پیشرویهای موقت در ترنتو نتیجه دیگری نداشت، و رویارویی نظامی اطریش و ایتالیا نیز چون دیگر عملیات جاری در بخشهای مرکزی اروپا، جنبه‌ای ثابت و فرسایشی یافت. این بود که سه حمله بعدی ایتالیایی‌ها در ایسونزو در فاصله اوت تا نوامبر ۱۹۱۶ نیز بهرغم پاره‌ای پیشرویهای محدود، نتیجه تعیین‌کننده‌ای به بار نیاورد.

حمله یازدهم ایتالیایی‌ها در جبهه ایسونزو - اواسط مه ۱۹۱۷ که در

خاطرات وحیدالملک مورد اشاره قرار دارد نیز اگرچه با پیشروی قابل توجهی توأم نشد، ولی اطریش را در چنان وضعیتی دشواری قرار داد که از متحد آلمانی خود درخواست کمک کرد.

اگرچه نیرویی که آلمان بدین جبهه اعزام داشت نیروی چشمگیری نبود، ولی مدیریت و برنامه‌ریزی فرماندهان نظامی آلمان که در اواخر اکتبر ۱۹۱۷ به صورت نبرد کاپرتو تبلور یافت، جبهه ایتالیا را کاملاً درهم شکست. تنها ناتوانی نیروهای مشترک آلمان و اطریش در بهره‌برداری از این موقعیت و تعقیب سپاهیان منهزم ایتالیا، مانع از شکست کامل ایتالیا شد.

۲۸ مه ۱۹۱۷. سقوط دولت وثوق‌الدوله: هم‌زمان با تحولات ناشی از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که خود را در ایران به صورت تجدید حیات نیروهای ملی کشور برای خاتمه دادن به مداخلات سیاسی و حضور نظامی بیگانگان نشان داد، دولت وثوق‌الدوله در ۲۸ مه ۱۹۱۷ سقوط کرد و تا حدود یک سال بعد که وی از نو زمام امور را در دست گرفت، دولتهای ضعیفی بر سر کار آمدند که نخستین آن کابینه علاءالسلطنه بود که در ۵ ژوئن ۱۹۱۷ تشکیل شد.

ژوئن (تا نوامبر ۱۹۱۷). جبهه غرب: تلفات حاصل از عملیات بی‌نتیجه متفقین در بهار ۱۹۱۷ نه فقط نیروهای فرانسوی را برای مدتی از کار انداخت که به شورشها و نافرمانی گسترده‌ای در میان آنها نیز منجر شد. درحالی‌که مقامات فرانسوی به تجدید سازمان ارتش و سرکوب این شورشها گرفتار بودند، برای مدتی بار اصلی جنگ در جبهه غرب برعهده نیروهای انگلیسی محول شد. این بار نوبت فرماندهان انگلیسی بود که به همان ترتیب معمول و بی‌حاصل پیشین، امواج پی‌درپی انسانی را به کام مرگ بفرستند.

در خلال این عملیات که در یادداشت‌های وحیدالملک از آنها به‌عنوان عملیاتی در «فرونت فلاندر» یاد شده است نیروهای بریتانیا در چهار نوبت حمله کردند؛ نخست در ۷ ژوئن ۱۹۱۷ که به تصرف یال‌میسین منجر شد، دوم حمله اصلی انگلیسی‌ها که به نبرد سوم ایپر شهرت دارد در ۳۱ ژوئیه که به نتایج قابل توجهی نرسید. سوم نبردهایی که در ۶ نوامبر به تصرف روستای پِشندیل منتهی شد و بالاخره حمله ۲۰ نوامبر همان سال بر کامبره. اگرچه در این نبرد به دلیل بهره‌برداری از نوآوری‌هایی چون تانک، خطوط دفاعی آلمانی‌ها درهم شکسته شد، ولی متفقین نتوانستند از این گشایش موقت بهره لازم را ببرند.

اول ژوئیه ۱۹۱۷. گالیسیا: این ایالت که در آغاز جنگ، صحنه یکی از نخستین رویارویی‌های نظامی روسیه و متحدین بود، در مراحل پایانی جنگ نیز به همین مناسبت اهمیت یافت. هنگامی که کرنسکی در مه ۱۹۱۷ وزارت جنگ دولت موقت روسیه را عهده‌دار شد، در مقام تأکید بر تعهدات نظامی روسیه نسبت به متفقین، حمله جدیدی را در جبهه گالیسیا تدارک دید.

اگرچه این حمله در مرحله نخست خود - اول ژوئیه ۱۹۱۷ - با موفقیت‌هایی توأم بود و نیروهای مشترک آلمان و اطریش را به عقب راند، ولی در عرض دو هفته تمامی تاب و توان خود را از دست داد. از این مرحله به بعد جبهه شرق روسیه عملاً مضمحل شد.

اول سپتامبر. سقوط ریگا: با حمله سپاه هشتم آلمان به مواضع نیروهای روسیه در حول و حوش ریگا - منتهی‌الیه شمالی جبهه شرق - در اول سپتامبر ۱۹۱۷، روسیه که دستخوش ناآرامی‌های حاصل از انقلاب بود، تاب مقاومت نیاورد و سپاه دوازدهم روسیه که مسئولیت دفاع از این

بخش را عهده‌دار بود در مقابل پیشروی آلمانی‌ها عقب نشست و در ۲ سپتامبر ریگا سقوط کرد.

۲۱ نوامبر ۱۹۱۷. تشکیل کابینه عین‌الدوله: به‌جای علاءالسلطنه که چندی بعد در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۸ جای به کابینه مستوفی‌الممالک سپرد. اعضای کابینه مستوفی‌الممالک عبارت بودند از: مشیرالدوله، جنگ؛ مؤتمن‌الملک، علوم و اوقاف؛ مخبرالسلطنه، عدلیه؛ مخبرالملک، مالیه؛ مشاورالممالک، خارجه؛ سردار اسعد، پست و تلگراف؛ معین‌الوزاره، فواید عامه.

۳ مارس ۱۹۱۸. معاهده برست لیتوفسک: یکی از نخستین اقدامات بلشویک‌های روسیه بعد از قبضه قدرت در اکتبر ۱۹۱۷، آغاز رشته مذاکراتی بود با دولت‌های مرکز که در ۱۶ دسامبر همان سال به ترک مخاصمه منجر شد. کمتر از یک هفته بعد نمایندگان از آلمان، اطریش، عثمانی، بلغارستان و اوکراین در شهر برست لیتوفسک گرد آمده و برای انعقاد یک پیمان صلح با نمایندگان دولت بلشویکی روسیه وارد مذاکره شدند. این مذاکرات بعد از فراز و نشیب‌هایی چند، از جمله تلاش بلشویک‌ها برای دفع‌الوقت به امید بروز «انقلاب جهانی» و منتفی شدن ضرورت هرگونه مذاکره‌ای با قدرتهای وقت و اقدام مؤثر نیروهای آلمانی در از سرگیری عملیات نظامی که بلشویک‌ها را به فیصله امر واداشت، در ۳ مارس ۱۹۱۸ به امضاء پیمانی بین طرفین منجر شد که به قرارداد برست لیتوفسک شهرت یافت.

۳ مارس ۱۹۱۸. تهاجم بهاره آلمان در جبهه غرب: استقرار تدریجی ولی مستمر نیروهای تازه‌نفس آمریکایی از اواسط سال ۱۹۱۷ در جبهه غرب، بر طرحها و برنامه‌ریزیهای جاری نظامی تأثیر تعیین‌کننده‌ای

برجای نهاد. فرماندهان نظامی متفقین با توجه به تلفات سنگین نبردهای پیشین و اطمینان از برتری نهایی، بنای کار را بر اتخاذ یک رشته سیاستهای دفاعی نهادند. از سوی دیگر فرماندهی نظامی متحدین یا به عبارت دقیقتر لودندورف و هیندنبورگ که با توجه به ورود و استقرار تدریجی نیروهای آمریکایی، تفوق حاصله از فروپاشی جبهه شرق و انتقال بخش مهمی از نیروهای آن طرف را به جبهه غرب، موقت و گذرا می دیدند، تصمیم گرفتند تا فرصت باقی است، حملاتی را صورت دهند. این رشته جنگها که به نام حملات بهاره شهرت یافت در پنج مرحله صورت گرفت.

نخستین این یورشها، حمله‌ای بود در ۲۱ مارس ۱۹۱۸ به مواضع متفقین در آراس که با سقوط سن‌کوئنتن به درهم شکسته شدن خطوط دفاعی آنها منجر شد. آلمانی‌ها دلیل دشواریهای تدارکاتی از ادامه حمله بازماندند. حمله بعدی آلمانی‌ها در اول آوریل، و در بخش شمالی جبهه غرب - در فلاندر - صورت گرفت که آن نیز پس از یک پیشروی کوتاه از حرکت ایستاد.

به‌رغم این ناکامیها و تلفات حاصل از آن، حملات آلمانی‌ها ادامه یافت؛ این بار بخش جنوبی جبهه غرب هدف قرار گرفت. در ۲۷ مه خطوط دفاعی فرانسوی‌ها در ازن درهم شکست و نیروهای آلمانی در پیشروی‌ای که از مراحل نخست جنگ در ۱۹۱۴ سابقه نداشت، حدود ۴۰ کیلومتر پیشروی کردند. ولی بار دیگر مشکلات تدارکاتی و ضدحمله متفقین کارساز واقع شد و در اوائل ژوئن این حمله نیز از حرکت بازماند. کما این که حمله بعدی آلمانی‌ها در همان جبهه در ۹ ژوئن، بدون آن‌که با پیشرفت قابل توجهی مواجه شود به سرعت متوقف شد.

مه ۱۹۱۸. آخرین دور از پیشروی عثمانی‌ها در ایران. به دلیل مشکلات تدارکاتی و همچنین درگیریهای نظامی در دیگر جبهه‌های آسیا

- بین‌النهرین و قفقاز - هیچ‌یک از دولتهای بریتانیا و عثمانی نتوانستند برای پر کردن خلأ ناشی از خروج نیروهای روسیه از بخشهای شمالی و غربی ایران، تلاش قابل توجهی صورت دهند. درحالی‌که تلاش انگلیسی‌ها برای فراهم آوردن نیرویی جهت استقرار در محور کرمانشاه - همدان - قزوین و همچنین تسلیح و ساماندهی حدود ۱۰۰۰۰ پناهنده آسوری و ارمنی در حدود ارومیه به صورت شکسته بسته‌ای در زمستان ۱۹۱۸ جریان داشت، بخشی از نیروهای نظامی عثمانی در اواخر آوریل همان سال بدون رویارویی با مقاومتی به سمت تبریز پیشروی کردند و بخشی دیگر نیز که از سمت راوندوز حرکت کرده بود، با آرامنه و آسوری‌های حدود ارومیه درگیر شدند.

نیروهای عثمانی که در ۳ اوت ارومیه را نیز تحت تصرف آورده بودند از اواخر همان ماه در ادامه پیشروی به نواحی داخلی ایران، در ۶ سپتامبر وارد میانه شدند و در ۱۲ سپتامبر نیز به حوالی زنجان رسیدند. این آخرین حد پیشروی آنها بود. زیرا چندی بعد در اکتبر همان سال دستور عقب‌نشینی یافتند و در پی قرارداد ترک مخاصمه ۳۱ اکتبر نیز کل نیروهای خود را از ایران فراخواندند.

ژوئن - ژوئیه ۱۹۱۸. پیاوه: فرماندهان نظامی اطریش نیز که همانند همتایان آلمانی خود تحولات کلی جنگ را در درازمدت به سود خود نمی‌دیدند، تصمیم گرفتند که در تعقیب و تکمیل پیروزیهای پیشین خود در جبهه ایتالیا دست به حمله بزنند. قرار بر آن شد که نیروهای نظامی اطریش که در دو گروه اصلی، یکی در جبهه کوهستانی ترنتینو در شمال و دیگری در جبهه نسبتاً جلگه‌ای مقابل رود پیاوه در جنوب شرق مستقر بودند، همزمان وارد عمل شوند. حمله نیروهای اطریشی در ژوئن ۱۹۱۸ آغاز شد.

پیشرفت نیروهای اطریشی در جبهه ترنتینو که دست‌یابی به ورونا را

هدف قرار داشت در همان مراحل نخست از رمق افتاد و به نتیجه نرسید. حمله همزمان بخش دیگر نیروهای اطریش در امتداد رود پیاوه - با هدف دستیابی به پادوا - اگرچه با موفقیت‌هایی روبرو شد، ولی به دلیل امکانات گسترده‌تر ایتالیایی‌ها برای اعزام نیرو و تدارکات، آن نیز در نهایت به نتیجه مطلوب منجر نشد و اطریشی‌ها وادار به عقب‌نشینی شدند.

اوت - نوامبر ۱۹۱۸. آخرین نبردهای جبهه غرب: در پی ناکامی حملات پی‌درپی آلمانی‌ها در جبهه غرب - مارس ۱۹۱۸، تهاجم بهاره آلمان - متفقین با برخورداری عواملی چون حضور بیش از یک میلیون سرباز تازه‌نفس آمریکایی و انبوهی از تجهیزات جدید نظامی، ابتکار عمل را در دست گرفته و رشته حملاتی را آغاز کردند که در نهایت به شکست اقتدار نظامی آلمان منجر شد.

نخستین این حملات یورش مشترک نیروهای فرانسه و بریتانیا در بخش آمین جبهه سوم بود که در ۸ اوت آغاز شد. نوآوری‌هایی چون اجتناب از بمباران سنگین مواضع دشمن پیش از حمله و کاربرد گسترده تانک به جای آن، نیروهای آلمانی را غافلگیر ساخته و متفقین در همان روز نخست حمله بیش از ۱۲ کیلومتر پیشروی کردند که در مقایسه با دستاوردهای مراحل پیش، پیشرفت چشمگیری بود. با آن‌که این نبرد نیز چون موارد پیشین به علت دشواری‌های تدارکاتی و خستگی نفرات بیش از یک هفته دوام نیاورد و از حرکت بازماند، ولی روحیه نیروهای آلمانی را تضعیف کرد.

حرکت بعدی متفقین، که نخستین عملیات تعیین‌کننده نیروهای آمریکایی نیز محسوب می‌شد در جنوب استحکامات وردن صورت گرفت. درحالی‌که نیروهای آلمانی مستقر در این بخش با توجه به احتمال حمله متفقین، از اوایل سپتامبر به تدریج نیروهای خود را به خطوط دفاعی مستحکمتری در پشت جبهه منتقل می‌کردند، نیروهای آمریکایی با

حمایت یک سپاه فرانسوی در ۱۲ سپتامبر دست به حمله زده و در عرض چهار روز کل این منطقه را تحت تصرف خود درآوردند.

جبهه مز - آرگون عرصه بعدی تهاجم متفقین از نقطه نظر عوارض ارضی و استحکامات یکی از دشوارترین بخش‌های جبهه غرب بود. در این عملیات که از اواخر سپتامبر آغاز شد نیز بار اصلی را نیروهای آمریکایی برعهده داشتند. اگرچه در تمامی عملیاتی که در نقاط مختلف این جبهه جریان داشت صفوف آلمانی‌ها به‌رغم عقب‌نشینی تدریجی، هیچ‌گاه به گونه‌ای که متفقین انتظار داشتند درهم شکست و نیروهایشان منهدم نشد، ولی توأم شدن این حوادث با تحولاتی که در جبهه جنوبی جنگ - ایتالیا و بالکان - جریان داشت، مقاومت سرفرماندهی ارتش آلمان را درهم شکست.

یورش ۱۵ سپتامبر نیروهای فرانسوی و صرب برضد مواضع بلغارها در منتهی‌الیه شمالی جبهه سالونیکا در عرض مدت زمان کوتاهی به شکست بلغارستان و انعقاد قرارداد ترک مخاصمه در ۲۹ سپتامبر منجر شد. در جبهه ایتالیا نیز نیروهای ایتالیایی با حمایت نیروهای فرانسوی و انگلیسی، در ۲۳ اکتبر مواضع اطریشی‌ها را مورد حمله قرار داده و پس از رشته ناکامی‌هایی در بخش‌های کوهستانی جبهه، بالاخره رود پیاوه را پشت سر گذاشته، نیروهای اطریش را در سمت ویتوریو ویتو درهم شکافتند. اطریش در ۳۰ اکتبر تقاضای ترک مخاصمه کرد و سه روز بعد جنگ خاتمه یافت.

هم‌زمان با همین تحولات که امکان پیشروی متفقین را از جنوب میسر می‌ساخت و همچنین ادامه پیشروی تدریجی آنها در جبهه غرب بود که بالاخره فرماندهی نظامی آلمان شکست را پذیرفت و لودندورف در پی طرح ضرورت ترک مخاصمه در اوائل اکتبر، در ۲۷ اکتبر استعفا کرد و بالاخره در ۱۱ نوامبر همان سال قرارداد ترک مخاصمه امضا شد.

ارتنگرن Ortengren (کاپیتان) ۲۵، ۲۴	۶۶۳، ۶۷۳، ۷۴۵، ۷۴۹، ۷۵۰
اردبیلی ۷۰	۷۵۲، ۷۵۴-۷۵۶
اردبیلی، سیدجلیل ۲۱، ۷۰۹	اجتماعیون اعتدالیون ۷۱۲
اردبیلی، سیدحسین ۳۳۳، ۴۴۵	احتشام السلطنه ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۷
اردلان، حاج عزالممالک ۳۷-۳۸	۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۱
۳۰۰، ۲۵۴، ۶۳، ۵۹، ۵۱-۵۰	۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴
۳۸۱، ۳۸۹، ۷۰۸	۱۴۹-۱۵۱، ۱۶۸، ۱۶۹
ارزبرگر M. Erzberger ۵۷۴، ۵۷۵	۱۷۶-۱۷۷، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۰۴
ارزروم (ارض روم) ۷۶، ۸۷، ۳۷۵، ۴۹۵	۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۷
ارسلان بیک ۴۰۲	۲۴۵-۲۴۶، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۰۵
ارفع الدوله ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۴	۳۵۳، ۳۸۵، ۳۸۷، ۴۰۱، ۴۶۶
۶۶۱، ۶۵۶	۴۷۰، ۴۷۴، ۵۰۵، ۵۰۹-۵۱۱
ارمنستان ۷۶، ۷۸، ۸۵، ۳۷۶، ۵۳۳	۵۱۷، ۵۲۶
۶۴۳	احمد شاه قاجار ۲۳، ۲۹، ۱۸۱، ۶۴۳
ارمیرنو ۳۲۱	۷۱۷، ۷۱۸
اروپا، اروپایی ۳۱-۳۲، ۹۸، ۱۰۲	احمد علی خان زند ۷۰۹
۱۰۳، ۱۰۷، ۱۲۷، ۱۴۷، ۱۶۶	اختر، حسن ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۹۷، ۱۹۸
۲۰۴، ۲۱۵، ۲۲۷، ۲۵۸، ۳۴۱	اخگر ۹۲
۳۵۱، ۳۵۷، ۳۶۲، ۳۷۱، ۳۹۹	ادسا ۲۳۰
۴۰۱، ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۲۲-۴۲۴	ادوال Edwall [ماژور] ۲۲۸، ۲۳۶
۴۵۸، ۴۸۱، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۲۳	ادهم بیک ۱۴۵، ۳۹۵، ۴۴۲
۵۲۳، ۵۳۴، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۸	ادیب السلطنه سمعی ۲۱، ۲۶، ۵۲
۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۷، ۵۹۰	۶۰، ۶۴، ۷۲، ۷۴، ۳۰۵، ۳۵۳
۵۹۴، ۵۹۸-۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۸	۳۸۱، ۳۸۹، ۷۰۸
۶۳۳، ۶۳۵، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۵	اراک ۲۵، ۳۴-۳۹
۶۴۶، ۶۴۸، ۶۶۳، ۶۶۵	ارامنه ۳۶، ۸۲، ۸۶-۸۸، ۹۰، ۱۲۱
۶۶۸-۶۶۹، ۶۷۳، ۶۷۵، ۶۸۵	۱۲۳، ۴۲۶، ۵۱۳، ۵۱۸، ۷۵۴
۷۰۵، ۷۰۶، ۷۲۵، ۷۲۹، ۷۳۶	ارامنه داشناک ۳۷۵
۷۴۲-۷۴۳، ۷۴۹	اریاب کیخسرو ۲۷، ۱۸۰، ۲۴۲، ۳۲۳
۷۵۴	۳۵۴، ۴۸۵

۱۹۴-۱۹۵

فهرست اعلام

الف	آ
ابراهیم ادهم ۴۹	آباده ۲۶۴
ابراهیم خان ۳۹۹، ۴۰۷	آتنه ۲۲۰
ابرت Ebert ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۰	آذربایجان، آذربایجانی ۳۶۳
۵۶۱، ۵۶۵	۵۰۸-۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۹
ابوالحسن خان ۳۵۲، ۴۴۶	۵۲۶، ۵۳۶، ۵۳۸، ۵۶۵
اتابک اعظم ۲۹۱	آراس Arras ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۷
اتریش، اتریشی‌ها ۵۸، ۶۷، ۱۰۸، ۱۱۹	۷۴۸، ۷۵۳
۱۲۱، ۱۳۰، ۱۵۵، ۱۷۴، ۱۸۵	آزاس ۲۱۳، ۳۰۱، ۳۴۱، ۳۷۴، ۴۲۶
۱۸۶، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۴۹	۴۴۳، ۵۳۳، ۵۰۷-۵۰۵، ۵۳۵
۲۷۳، ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۷۴	۵۴۸، ۵۶۷، ۶۰۲، ۶۱۲، ۶۳۴
۳۸۲، ۳۸۸، ۴۰۸، ۴۱۸، ۴۳۳	۶۸۱، ۶۹۵
۴۳۷-۴۳۹، ۴۴۱-۴۴۲، ۴۴۶	آسوری‌ها ۷۲، ۷۵۴
۴۴۷، ۴۵۳-۴۵۴، ۴۶۰، ۴۶۲	آفاسیدفاضل ۲۹۲، ۴۲۹
۴۶۴، ۴۶۶-۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۲	آفاسیخ اسمعیل ۴۲۹
۴۷۴، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴	آفاسیخ حسین تهرانی ۴۱۹
۴۹۵، ۵۰۵-۵۰۸، ۵۱۵-۵۱۷	آلمان، آلمانی‌ها: در اغلب صفحه‌ها
۵۲۱، ۵۲۴، ۵۲۸-۵۳۰، ۵۳۳	آمستردام ۲۴۸، ۶۸۷، ۷۰۳
۵۳۵، ۵۴۸-۵۴۹، ۵۵۵، ۵۵۶	آنکارا ۹۸، ۱۴۱
۵۵۸، ۵۵۸-۵۸۳، ۵۸۴، ۶۰۶	آوانس خان ارمنی ۱۳۷
۶۰۹، ۶۱۲-۶۱۳، ۶۲۴، ۶۲۸	آهانیناس ارمنی ۴۲۶

اره (مکان) ۳۵، ۳۴	۴۹۹، ۴۹۵-۴۹۴، ۵۰۰، ۵۰۲
اریکسن Eriksson ۱۹۵، ۳۴۲	۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۹
ازمیر ۱۴۴	۵۲۰، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۳، ۵۵۴
ازن Aisne ۲۸۷، ۲۸۸	۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۳، ۶۴۹، ۶۷۲
اسپارو ۳۹۷	۷۰۳، ۷۰۸، ۷۱۴
اسپانیا، اسپانیایی ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۴۸	استرآبادی، محمدحسین ۷۰۸، ۷۱۳
۷۰۵	استریلگ ۳۴۲
استانبول ۴۷، ۵۲، ۵۶، ۵۸، ۶۰	استرند، کرن ۴۲۴
۶۷-۶۴، ۶۹-۷۰، ۷۳-۷۶، ۸۹	استکهلم ۱۷۲، ۱۹۷، ۲۸۲-۲۸۵
۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۸-۱۱۲، ۱۱۴	۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۶
۱۱۷، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۳-۱۲۵، ۱۲۷	۲۹۷، ۲۹۹-۳۰۲، ۳۰۵-۳۱۰
۱۲۹، ۱۳۱-۱۳۲، ۱۳۵	۳۱۲، ۳۱۴-۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۱
۱۴۰-۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۸-۱۵۱	۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۳
۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۸	۳۷۴-۳۷۸، ۳۸۰-۳۸۳، ۳۸۷
۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۸	۳۹۰، ۳۹۳-۳۹۴، ۴۰۹-۴۱۰
۱۹۰-۱۹۲، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲	۴۱۶، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۳۱، ۴۳۵
۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۶-۲۱۹، ۲۲۲	۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۶۵
۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۰	۴۸۵، ۵۱۷، ۶۳۸، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۲۸
۲۴۶، ۲۵۱-۲۵۲، ۲۵۵، ۲۶۵	استوکس (ماژور) ۴۹۰
۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۸	اسدخان ۶۶۰
۲۹۱-۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۳	اسعدالسلطان کردستانی ۷۰۹
۳۰۵، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۸، ۳۳۹	اسکندری، سلیمان میرزا ۲۲-۲۳
۳۴۸-۳۴۹، ۳۵۳، ۳۸۰، ۳۸۱	۲۵-۲۶، ۲۹-۳۰، ۴۲، ۵۲، ۶۴
۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۹-۳۹۱، ۳۹۴	۷۰، ۱۲۴، ۲۴۳-۲۴۴، ۲۵۴-۲۵۵
۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۱-۴۰۲	۲۹۹، ۳۰۵، ۳۸۶، ۴۱۹، ۴۴۵
۴۰۷-۴۰۸، ۴۱۳، ۴۱۹، ۴۲۰	۴۴۷، ۴۹۲، ۵۰۵، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۶
۴۲۵، ۴۲۷، ۴۲۹-۴۳۱، ۴۳۳	اسکودار ۱۰۴
۴۴۲، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۵۵	اسکویت، مریرت H. Asquith ۲۱۶
۴۵۷-۴۶۰، ۴۶۵، ۴۷۰، ۴۷۴	۲۲۴، ۲۲۶، ۴۵۳، ۴۸۶، ۷۴۷
۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۸۸	اسکی شهر ۹۸

۵۲۵، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۶۴، ۵۷۴	اشنائین (پرفسور) ۱۴۰، ۴۱۷، ۴۸۰
۵۸۲، ۵۸۶، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۱۱	اشترینان ۳۸
۶۲۳، ۶۲۳-۶۲۶، ۶۴۰، ۶۴۳	اصفهان ۲۵-۲۷، ۲۹-۳۲، ۴۴، ۸۳
۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۶، ۶۶۶، ۶۶۸	۱۱۸، ۱۷۱، ۲۳۰، ۲۴۱
۶۷۵، ۶۹۴، ۶۹۶-۶۹۸، ۷۳۱	اطعم بیک ۴۹۵
۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۶	اعتدالیون ۴۲
امیراحمد مختار ۴۲۰	اعتلاء الملک ۵۷۷
امیربهادر ۲۴۱	اعراب ۸۳-۸۴، ۹۰، ۱۶۵
امیرحشمت آذربایجانی ۷۰۹	اعظم السلطنه، عباس خان ۱۴۹، ۱۶۲
امیرحشمت کمره‌ای ۳۴	۱۶۸، ۱۹۹، ۰۹، ۲۳۰، ۲۴۰، ۲۴۵
امیرعلی هندی ۶۵۸	۲۶۹، ۳۰۲، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۹
امیرمفخم بختیاری ۳۴-۳۶، ۴۳	۳۹۱، ۴۲۲، ۴۶۵-۴۶۶، ۵۰۵
امیرنظام ۱۴۸، ۲۹۱، ۳۱۰	۵۱۱، ۶۱۷، ۶۴۵، ۶۴۸-۶۴۹
امین‌التجار ۲۶	۶۶۸-۶۶۹، ۷۰۹
امین‌زده تبریزی ۲۶۸	افغانستان ۴۴۸، ۴۹۶، ۵۰۱
امین شکیب‌بیک ۳۹۸	اکبر میرزا صارم‌الدوله ۱۵۴، ۶۶۱
انزلی ۷۰۳	اکستروم Ekstrom ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۴۱
انصاری، غلامعلی ۳۱۴، ۳۵۱، ۳۸۰	۳۴۲، ۳۴۷، ۳۴۸
انگلیس، انگلیسی‌ها ۲۷-۲۹، ۴۱، ۵۳	الکساندر اول ۶۰۱
۵۷، ۶۲، ۷۴، ۸۲، ۱۴۶، ۱۵۴	الگیرگ ۳۳۵
۱۵۵، ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۸	الوند ۳۳، ۴۵
۱۹۱، ۱۹۸، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۶	امام جمعه خویی ۱۷۳، ۴۲۲
۲۱۹-۲۲۱، ۲۲۳-۲۲۴، ۲۲۶-۲۲۷	۴۵۸-۴۵۹، ۴۶۲
۲۳۱، ۲۳۶-۲۳۹، ۲۴۵-۲۴۶	امامی، نظام‌الدین ۴۵۸-۴۵۹، ۴۶۲
۲۴۸-۲۵۰، ۲۵۲-۲۵۵، ۲۶۰-۲۶۲	امریکا، امریکایی‌ها ۲۲۲، ۲۲۴-۲۲۵
۲۶۵-۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۸۰	۲۳۷، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵
۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۷-۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۳	۲۴۸-۲۵۱، ۲۵۵-۲۶۰، ۲۶۹
۲۹۷-۲۹۸، ۳۰۱، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۵	۲۷۱-۲۷۳، ۲۷۵، ۲۹۵، ۳۴۵
۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۳۱-۳۳۲	۳۵۰، ۳۸۰، ۳۸۲، ۴۱۳
۳۳۵-۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۵۰، ۳۵۲	۴۸۵، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۴

اوکراین ۳۸۲، ۴۷۵، ۴۸۳-۴۸۴، ۴۹۱	۳۵۸-۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۷-۳۶۹
۴۹۷، ۴۹۴	۳۷۱-۳۷۴، ۳۷۹، ۳۸۸، ۳۸۶
اولسون Ohlson ۳۴۲ α لیسون	۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۲-۴۰۶
اویسی، علی محمد ۱۱۳، ۳۸۰، ۴۱۰	۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۳-۴۱۵، ۴۱۹
۴۳۱	۴۲۲، ۴۲۶-۴۲۷، ۴۳۱، ۴۳۳-
ایاصوفیه ۱۰۶	۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۱، ۴۴۵-۴۴۶
ایتالیا ۲۸، ۵۸، ۱۲۱، ۲۱۶، ۲۴۵، ۲۴۸	۴۴۹، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۰
۲۹۱، ۲۹۳-۲۹۴، ۲۹۶، ۳۰۱	۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۹
۳۱۸، ۳۶۷، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۶	۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۸، ۴۸۰-۴۸۱
۳۸۸-۳۸۹، ۳۹۸، ۴۳۷-۴۳۹	۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۷-۴۸۹، ۴۹۳
۴۴۱-۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۶	۴۹۹، ۵۰۲-۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۷
۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۹، ۵۱۶	۵۱۰، ۵۱۳-۵۱۵، ۵۱۷، ۵۱۹
۵۲۱، ۵۲۸، ۵۳۵، ۵۹۰، ۵۹۲	۵۲۳، ۵۲۸، ۵۳۲، ۵۳۵-۵۳۷
۶۰۵-۶۰۸، ۶۳۶، ۶۴۶، ۶۶۲	۵۴۰، ۵۴۴-۵۴۵، ۵۴۷-۵۵۰
۶۶۳، ۶۷۳، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۴۵	۵۵۶، ۵۷۰، ۵۸۶، ۵۹۷-۵۹۸
۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۶	۶۰۲، ۶۰۴-۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۸
ایتن، پیر ۶۵۸	۶۲۲-۶۲۵، ۶۲۸، ۶۳۴-۶۳۶
ایرلند، ایرلندی ۲۳۸، ۳۱۳، ۴۶۳، ۵۰۰	۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۶۳-۶۵۹
ایمهف پاشا Imhoff Pascha ۴۷۷	۶۶۸-۶۷۳، ۶۸۴، ۶۸۷-۶۸۹
	۶۹۲، ۶۹۴، ۷۰۶، ۷۰۷
	۷۳۰-۷۳۳، ۷۳۵، ۷۳۶
	۷۴۶-۷۵۱، ۷۵۴
بادکوبه ۱۵۴، ۳۱۸، ۴۸۸، ۵۱۸، ۶۵۴	انورپاشا ۵۴، ۵۵، ۵۷-۵۸، ۶۶، ۷۰
۷۰۳	۱۰۶-۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۶-۱۲۰
باراتف ۷۴۴، ۷۴۷	۱۲۲، ۱۲۷، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۵۲
باطوم ۵۱۴، ۵۲۲، ۷۰۳	۱۵۴، ۱۵۶، ۱۹۲، ۲۱۸، ۲۳۶
باقی بیک ۷۷	۲۴۹، ۲۶۱، ۲۹۰، ۲۹۲، ۴۰۲
بالتیک ۴۳۱، ۴۴۹	۴۳۲، ۴۷۹، ۷۱۷
بالفور ۲۱۹	اودربرگ ۱۳۶
بالکان ۲۳۶، ۴۱۳، ۴۳۲، ۵۸۴، ۷۵۹	اورشلیم ۴۶۴
بتمن هلوگ، تئوبالد - T.Bethman	

Hollweg ۲۲۱، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۹۴	۴۱۲
بحرین ۲۸	
بخارست (بوخارست) ۲۱۱-۲۱۶	۴۹۲، ۵۰۷، ۵۱۱، ۷۴۵
بختیاری، بختیاری‌ها ۳۴-۳۷، ۴۳	۱۹۶، ۲۵۴، ۲۶۵، ۳۰۴، ۵۴۰
بختیاری، ابوالقاسم خان ۷۰۹	
بختیاری، سردار معظم ۷۰۹	
بختیاری، یدالله خان ۷۰۹	
برانتین ۳۱۳، ۳۲۴، ۳۳۵	
براون، ادوارد ۳۶۳، ۴۲۱، ۴۶۸، ۶۶۹	
برست لیتوسک ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱	
۴۷۳-۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۴، ۴۸۵	
۴۹۰، ۴۹۲-۴۹۷، ۵۱۱، ۷۵۲	
برگدال ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۰-۳۶۱، ۳۶۴	
برگ زینسکی ۱۳۹	
برلن: در اغلب صفحه‌ها	
برن ۵۸۰	
بروجرد ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۷، ۴۷، ۲۳۹	
۷۴۷	
بروسیلوف Gen. A. Brusilov ۷۴۵	
بروکسل ۲۶۸، ۴۲۵، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۸	
۶۲۶، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۶، ۶۸۶	
برومند، محمدکریم خان ۷۰۹	
برهان المتکلمین ۷۰۹	
بریان Burian ۳۶۷	
بریستول ۱۰۵	
بسفور ۱۰۲-۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۸، ۶۷۲	
بشکتاش ۱۱۲، ۱۱۵	
بصره ۲۳۱	
بغداد ۳۹، ۴۸-۵۴، ۵۶-۵۸، ۶۱-۶۲	
۶۴، ۶۷-۶۸، ۷۱-۷۲، ۷۵-۷۸	
۸۱-۸۲، ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۱۰۲	
۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۳	
۱۵۶، ۱۹۵، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۵۸	
۲۶۰-۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۰، ۳۰۴	
۳۲۳، ۳۲۲، ۳۵۳، ۳۸۸، ۳۹۶	
۴۰۴، ۴۳۲، ۴۶۴، ۴۸۸، ۴۹۰	
۵۱۵، ۷۱۷، ۷۲۷، ۷۴۸	
بغدادیه ۸۴، ۸۶	
بقاء الملک سمعی ۵۲، ۷۴، ۷۰۹	
بک، سیاستان ۱۶۴-۱۶۶، ۴۴۲	
بلیژیک، بلیژیک‌ها ۲۸، ۲۲۴	
۲۳۷-۲۳۸، ۳۱۹، ۳۷۲، ۴۰۵	
۴۰۶، ۴۳۲، ۴۸۷، ۵۳۵، ۶۰۰	
۶۰۹، ۶۱۲، ۶۹۴، ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۳۱	
بلغارستان ۱۳۱، ۱۳۵-۱۳۶، ۴۲۷	
۴۳۰، ۴۷۱، ۴۸۴، ۵۱۰، ۵۲۵	
۵۲۳، ۵۸۵، ۷۴۵، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۵۶	
بلوچستان ۳۲۳	
بلوخر ۸۸، ۸۹	
بمبئی ۱۴۱	
بناپارت، لویی ۷۰۶	
بندرعباس ۶۲	
بوپ (کلنل) ۳۹، ۴۳-۴۴، ۸۹	
بوداپست ۱۳۶، ۴۱۸، ۴۳۳	
بورین‌ها ۶۰۵	
بوزانیتن ۹۳-۹۵	
بوشهر ۶۲	

بونارلا Bonar Law ۲۶۳، ۲۶۴

بوئر ۲۳۸

بهار، ملک الشعراء ۷۰۹

بهاء الواعظین ۷۰۹

بهایها ۴۲۱

بیت اللحم ۵۱۰

بیت المقدس ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۶۶، ۵۲۳

۷۳۳، ۵۲۵

بیجار ۴۷، ۱۸۹، ۲۶۱، ۷۴۷

بیدسرخ ۳۹، ۴۱، ۴۲-۴۴

بیر [پروفیسور] ۲۶۹، ۴۳۲

بیرشرک [دکتر] ۲۵۳

بیزمارک ۱۵۳، ۳۴۷، ۵۲۱، ۵۲۲، ۴۳۱

۵۴۴، ۵۷۳، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۹۵

بیستون ۴۰

بیکر [دکتر] ۴۸۸ - ۴۸۹

بیش، تقی ۵۹۰

بین النهرین ۷۸، ۲۳۱، ۵۱۰، ۵۲۲

۵۴۵، ۷۴۲، ۷۴۷، ۷۵۴

بیورلینگ ۳۴۲

بیوک آت ۱۳۲

پ

پاریس ۲۱۶، ۲۴۵، ۳۶۶، ۳۷۴، ۴۵۳

۴۹۷، ۵۰۳-۵۰۴، ۵۱۲-۵۱۳

۵۲۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۲، ۵۶۸

۵۶۹، ۵۷۴-۵۷۶، ۵۸۲-۵۸۳

۵۸۶، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۲، ۶۱۲

۶۲۲، ۵۳۱، ۵۳۳، ۶۴۳، ۶۴۵

۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱-۶۵۲، ۶۵۵

بطرکبیر ۶۷۲

پوانکاره ۶۰۲

پوتسدام ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۹۱، ۲۰۰

۲۷۴، ۲۷۵، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۰، ۶۱۴

پورداد ۱۱۲، ۱۴۸، ۱۸۵، ۲۹۴، ۳۰۲

۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۵۱، ۴۸۲، ۴۸۳

پوست Poussette [ماژور] ۳۵، ۳۰۷

۶۶۰-۶۶۳، ۶۶۸، ۶۹۵، ۷۰۳

پاطاق ۷۲

پترسن Peterson [کاپیتان] ۳۱۱

۳۱۲، ۳۲۲، ۳۴۱، ۳۵۰

پرا ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۳۲

پراوتیز Prawits [ماژور] ۳۲۹

پرت رینسکی ۲۸۰

پرنس [جزایر] ۱۳۱

پسیان، محمدتقی خان [کلنل] ۳۵۲

۳۹۰، ۳۹۴

پشکوه ۲۹۲

پطرزبورگ ۱۷۷، ۲۴۲، ۲۶۱، ۲۶۳

۲۶۴، ۲۷۰، ۲۸۷، ۲۹۰-۲۹۱

۲۹۴، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۰

۳۱۱، ۳۱۴-۳۱۵، ۳۱۷-۳۱۸

۳۲۰-۳۲۱، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۰

۳۳۱، ۳۴۳، ۳۵۰-۳۵۱، ۳۵۵

۳۶۲-۳۶۴، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۲

۳۷۳، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۹۳، ۳۹۸

۴۱۰، ۴۱۱، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۸

۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۵-۴۵۹

۴۶۰، ۴۷۲، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۲

ت

تاتارها ۱۶۵، ۵۱۸

Tarnopol ۳۵۴، ۳۵۸

تاونلی، سروالتر ۲۴۶، ۶۶۲، ۶۸۷

۶۹۱

تبریز ۲۳۱، ۲۵۳، ۲۶۸، ۳۳۲، ۵۰۹

۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۸، ۵۲۲، ۶۸۴

۷۳۳، ۷۴۷، ۷۵۴

تبریزی، قاسم ۷۱۳

تبریزی، حاجی حسینعلی ۱۲۵

تربیت، میرزا رضاخان ۳۰۲

تربیت، میرزا محمدعلی خان ۱۰۱

۱۰۵-۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۸، ۳۵۳

۴۵۰، ۴۵۹، ۵۰۸، ۶۲۸، ۶۳۷

۶۳۸، ۷۴۱

ترکستان ۴۹۸

Trelleborg [بندر] ۳۰۹

تروئسکی ۴۷۵، ۴۸۴، ۴۸۹، ۴۹۰

۴۹۴، ۴۹۷

Troelstra ۳۳۵

Tsingtao ۲۶۶

تقوی، سیدنصرالله ۳۹۳

تقی زاده، سیدحسن ۷۴۰

تکاتلیان ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۵

تکامن [پرفیسور] ۱۹۶-۱۹۷

تنگابنی، محمدطاهر ۷۱۳

تنگستان ۶۲

تونس ۵۶، ۱۲۹

تهران ۲۱-۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۴، ۴۴، ۴۶

۴۹، ۵۵، ۵۶، ۸۳، ۱۰۹، ۱۱۸

۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۲

۱۵۰-۱۵۱، ۱۵۳-۱۵۵، ۱۵۷

۱۵۹، ۱۶۲، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۰

۱۹۱، ۱۹۴-۱۹۶، ۲۰۶، ۲۲۱

۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۳-۲۳۵

۲۴۱-۲۴۳، ۲۴۵-۲۴۶، ۲۵۱

۲۵۴، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۸۱

۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۹، ۳۰۵، ۳۰۶

۳۱۰، ۳۱۲-۳۱۵، ۳۲۱، ۳۲۵

۳۲۸، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۲، ۳۴۳

۳۵۰، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۵۸

۳۶۲-۳۶۴، ۳۷۷، ۳۸۱-۳۸۰

۳۸۳، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۸

۴۰۸، ۴۱۶، ۴۱۹، ۴۲۲-۴۲۳

۴۳۵-۴۳۶، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴

۴۴۷، ۴۵۳-۴۵۵، ۴۵۸-۴۵۹

۴۶۵-۴۶۶، ۴۶۹، ۴۸۰-۴۸۲

۴۸۴، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۲-۴۹۳

۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۸-۵۰۹، ۵۱۳، ۵۱

۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۷۵

۵۷۷، ۵۸۳، ۵۹۰، ۶۱۷، ۶۱۹

۶۲۹، ۶۳۸، ۶۴۳، ۶۴۹، ۶۵۰

۶۶۱، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۸۳، ۶۸۹

۶۹۵-۶۹۶، ۷۰۳، ۷۰۸، ۷۲۵

۷۴۴

ث

ثقة الاسلام ۳۱۴، ۴۰۰

ثقة الملك ۵۶۲، ۵۶۴، ۶۹۰

- خلیل بیک ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۵۹-۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴-۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۱۸، ۲۴۹، ۲۷۳، خلیل پاشا ۵۴، ۵۸، ۶۲، ۶۷، ۷۱، ۱۱۷، ۱۴۲، ۱۵۴، خلیل خالد افندی ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۳۶، ۲۸۰، ۴۱۵، خلیل میرزا ۷۰۹، خمین ۲۳-۳۵، ۲۳۹، خوانسار ۳۳، خوانساری، شیخ محمدحسین ۷۰۸، ۷۱۳، خوی ۳۷۵، ۵۰۹، خیری بیک ۹۴
- دردانل ۸۶، ۲۱۶، ۴۱۳، ۵۲۸، ۶۷۲، دانزیک ۶۴۷، ۶۴۸، دانش، حسین ۱۱۱، دانمارک ۲۴۸، ۲۵۰، دانوب ۳۱، ۲۰۵، ۲۱۵، ۵۲۰، ۵۸۴، داودخان ۴۵۸، داوید [دکتر] ۵۶۱، ۵۶۸، دبیرالملک ۲۴۳، دربند ۶۵۴، دریاچه وان ۷۶، دریای اژه ۷۴۸، دریای بالتیک ۳۰۹، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۸۹، دریای خزر ۲۸، ۶۵۴، ۷۰۳
- دریای سیاه ۶۷۲، ۷۰۳، دریای شمال ۷۰۳، دریای مانس ۴۸۷، ۵۲۳، دریای مدیترانه ۲۱۶، ۲۳۸، ۲۶۶، ۶۳۶-۶۳۷، ۶۷۲، دریای مرمره ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۲۴-۱۲۵، ۱۳۲، دولت آباد ۳۵، ۲۳۸، ۷۴۷، دولت آبادی، حاجی میرزا علی محمد ۷۰۹، دولت آبادی، حاجی میرزا یحیی ۴۹، ۵۷، ۷۷، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۳۰، ۲۰۴، ۳۸۵، ۳۸۸-۳۹۱، ۴۱۰، ۷۰۹، دوماره De Maré [ماژور] ۳۹، ۱۴۹، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۶۲، ۳۹۴، دونکرک ۲۸۱، دمخوارقانی، شیخ رضا ۳۰۶، ۷۰۸، ۷۱۳، دهکردی، خسروخان ۳۷، دیاربکر ۹۴، دیاز Diaz ۴۴۹، دیر ۷۱، ۱۰۹
- ذکاء الدوله ۵۸۰، ۶۴۲، ۶۴۳، ذکاءالملک فروغی ۳۶۲، ۴۲۲، ۵۶۲، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۷
- رادک، کارل ۵۶۳-۵۶۴، راس العین ۶۹، ۲۲۸

- حزب اتحاد و ترقی ۵۲۵، حسام همایون ۷۷، حسن خان معمار ۷۰۹، حسین خان ۳۹۹، حصار ۳۵-۳۶، حقی پاشا ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۴۲، ۴۷۱، ۴۹۱، ۴۹۵، حکیم الملک ۵۰، ۷۷، حلب ۶۷-۶۸، ۷۱، ۷۴-۷۵، ۷۷، ۸۱-۸۲، ۹۲-۹۳، ۹۸، ۱۰۹، ۲۹۹، ۳۸۵، ۴۲۹، ۴۸۸، ۵۲۸، حمزه بیک ۳۹۸-۴۰۰، ۴۰۲، ۴۱۸، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۴۰، ۴۴۷، ۴۷۲، حمیدخان ← سیاح، حمید، حیدرخان عمو اوغلی ۱۰۰، ۱۱۲-۱۱۳، ۱۸۰، ۳۱۳، ۳۲۴، ۳۲۹، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۵۴، ۳۶۴، ۳۶۵، ۴۰۹، ۴۱۰
- خانیاباخان ۶۸، ۲۹۲، ۵۶۵، خیانتین ۴۸-۴۹، ۵۷، ۲۶۴، ۲۶۹، ۳۳۹، ۷۴۴، ۷۴۸، خراسان، خراسانی ۲۴۱، ۵۴۰، خرم آباد ۴۲، ۴۷، خلخال، سید عبدالرحیم ۲۱، ۱۰۱، ۱۰۷-۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۸، ۳۸۶، ۴۱۹، خلیج فارس ۶۲، ۷۶، ۶۷۲
- جام آلاکی ۹۳-۹۴، جاوه ۴۲۶، ۷۰۶، جرارد J. Gerard ۲۴۹، جلقا ۵۱۸، جمال زاده ۱۴۹، ۱۷۴، جوشقانی، فتح اللدخان ۴۹
- چائو ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۴، ۳۴۰-۳۴۱، ۳۴۹، ۳۵۹، ۳۶۶، ۳۸۱، چراغعلی خان ۲۵، ۳۴۳، چرنوزوبوف ۷۴۷، چرنین Czernin [کنت] ۵۰۵-۵۰۷، چلستروم ۱۹۵، ۳۴۲، چین ۲۵۱، ۲۶۶
- حاج آقا نورالله ۱۹۶، ۷۰۹، حاج شیخ اسدالله خان ۵۹، ۱۲۹، ۲۱۸، حاج شیخ اسمعیل رشتی [گیلانی] ۴۲، ۵۳، ۷۴، ۲۹۲، ۷۰۹، حاج عزالممالک ← اردلان، حاج عزالممالک، حاجی خان ۷۰۹، حاجی عادل بیک ۱۳۰، حاجی ملک ۴۲، حاجی میرزا یحیی ← دولت آبادی، حاجی میرزا یحیی، حدیثه ۸۶

فهرست اعلام ۷۶۷

راشدان ۴۷۷
 رامزگیت ۲۶۶
 رامزی مکدانلد ۳۱۶
 راوندی ۷۷
 رحمت آباد ۳۳
 رشت ۵۳، ۱۵۴، ۳۴۲، ۵۰۵
 رضاییک ۱۱۸
 رکن السلطنه ۴۹۴، ۵۰۴
 رم ۲۳۷، ۲۰۲، ۳۹۳، ۴۲۵، ۴۴۶-
 ۴۴۷، ۵۲۰، ۶۶۳، ۷۰۳
 رمادی ۷۷-۷۸، ۸۰
 رن [رود] ۳۱، ۳۶۷، ۴۶۰، ۵۲۰، ۵۳۲،
 ۵۳۵، ۶۱۸، ۶۶۸
 رنرسمارک، هینکل ۴۷۷
 رواندوز ۷۴۷
 روبن، اوتو ۳۵۶
 روتردام ۶۹۳، ۷۰۳
 روح الله خان ۲۰۲، ۲۰۶
 روزن [دکتر] ۲۴۸، ۶۹۰
 روزنو ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۶۶
 روستوم [استپان زوریان] ۳۷۵
 روسل (ایستگاه راه آهن) ۱۶۵-۱۶۶
 روسیه، روس، روس ها ۲۲-۲۵،
 ۲۷-۲۹، ۳۴-۳۷، ۳۹-۴۱، ۴۳،
 ۵۲-۵۳، ۵۶، ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۷۱-
 ۷۳، ۸۲-۸۳، ۸۷، ۱۱۵، ۱۲۱-
 ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۲،
 ۱۴۶، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۵۴-۱۵۶،
 ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۰،
 ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۸-۲۰۴،
 ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۶، ۲۷۱،
 ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۳۱-۲۳۳، ۲۳۶-
 ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۵۲، ۲۶۱،
 ۲۶۳-۲۶۵، ۲۶۷-۲۶۹، ۲۸۰،
 ۲۸۳-۲۸۶، ۲۸۸-۲۹۴، ۲۹۷،
 ۳۰۱-۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۰-۳۱۶،
 ۳۱۸-۳۱۹، ۳۲۱،
 ۳۲۲-۳۲۸، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۶-
 ۳۳۹، ۳۴۳-۳۴۴، ۳۴۷-۳۴۸،
 ۳۵۳، ۳۵۸-۳۶۲، ۳۶۴،
 ۳۶۶-۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۷،
 ۳۷۹، ۳۸۳-۳۸۴، ۳۹۰، ۳۹۳،
 ۳۹۵-۳۹۸، ۴۰۳، ۴۰۶-۴۰۷،
 ۴۰۹، ۴۱۲، ۴۲۲، ۴۲۷، ۴۳۰،
 ۴۳۱، ۴۳۳-۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۶،
 ۴۴۸-۴۵۰، ۴۵۳، ۴۵۵-۴۵۷،
 ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۸،
 ۴۷۰-۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۷-۴۸۱،
 ۴۸۳-۴۸۶، ۴۸۸-۴۹۱، ۴۹۳،
 ۴۹۵-۴۹۷، ۴۹۹-۵۰۱، ۵۰۸،
 ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۳۵،
 ۵۴۴-۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۸، ۵۶۴،
 ۵۶۸، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۹۲، ۵۹۸،
 ۶۰۰، ۶۰۹، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۳۹،
 ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۵۰، ۶۵۲-۶۵۳،
 ۶۵۵، ۶۵۹، ۶۶۸، ۶۷۰-۶۷۳،
 ۶۷۶: ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۸۹،
 ۷۰۷، ۷۳۰-۷۳۳، ۷۳۵-۷۳۸،
 ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۷-۷۴۸،
 ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۴

۷۶۸ خاطرات مهاجرت

رومانوف ۲۶۶، ۷۳۲
 رومانی ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۸۲، ۱۸۴-۱۸۵،
 ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۵،
 ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵،
 ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۳، ۲۳۵،
 ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۷۴، ۳۸۲، ۴۱۲،
 ۴۶۲، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۹، ۵۰۴،
 ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۸۴، ۶۰۹، ۶۴۶،
 ۷۴۵-۷۴۶
 روس [پرنس] ۸۳، ۱۵۵، ۳۹۶، ۴۸۲،
 ۵۰۳
 ریو A. Ribot ۳۰۰
 ریگا ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴-۳۹۵، ۴۱۲،
 ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۹۲،
 ۷۵۱، ۷۵۲
 رتوف بیک ۴۵
 ز
 زاره [پرفسور] ۱۴۱، ۱۴۳-۱۴۴، ۱۵۲،
 ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۰۸
 زاینده رود ۳۱-۳۲
 زمره [ایل] ۸۱
 زنجان ۷۵۴
 زنجانی، شیخ ابراهیم ۴۲۲
 زودکوم ۴۷۷
 زیپلن ۲۶۰
 زیمرمن Zimmermann ۱۵۳، ۱۶۲،
 ۱۷۱-۱۷۲، ۱۷۵-۱۷۶،
 ۱۷۸-۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۳،
 ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸،
 ۲۲۶، ۲۲۲-۲۲۴، ۳۴۵، ۳۴۶،
 ۳۴۸-۳۴۹، ۷۲۳-۷۲۴
 ژ
 ژاپن ۲۸، ۲۵۷، ۵۲۵، ۶۰۸
 ژنو ۱۳۸
 س
 سالار لشگر ۶۳، ۷۰۹
 سالار معظم ۵۴، ۵۶، ۲۵۲، ۳۰۰،
 ۴۷۴-۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۰-
 ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۲، ۵۱۱،
 ۵۱۹، ۶۴۳
 سالار ناصر زند ۳۸، ۳۹
 سالار نظام، محمدصادق خان کویال
 ۲۹، ۵۰
 سالونیک Salonika ۲۸۹
 سامره ۵۶، ۶۹، ۲۲۸، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۵۴،
 ساوجیلاخ ۷۱۳
 ساوه ۲۳-۲۵
 سایکس ۱۷۱، ۲۵۴
 سپهتار ۱۵۴، ۱۸۱، ۲۲۶، ۲۴۱، ۲۵۲،
 ۳۴۳
 سپهسالار ۲۳۲، ۳۳۱، ۷۴۳، ۷۴۴
 سریند اراک ۳۵، ۳۷
 سرتیپ زاده ۷۰۹
 سردار اسعد ۲۶۵، ۳۰۴، ۴۹۲، ۷۵۲
 سردار سعید ۵۴، ۵۶، ۶۴، ۷۴، ۸۱،
 ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۳۰، ۲۰۳، ۷۰۹
 سردار شجاع ۷۰۹

سردار محیی ۷۰۹، ۲۹۲، ۷۷، ۵۴، ۴۹
 سردار مقتدر سنجابی ۷۰۹
 سردار مقتدر کاشانی ۷۰۹، ۷۴، ۶۱، ۵۴
 سعید حلیم پاشا ۲۱۸، ۱۱۳
 سفارت آمریکا در تهران ۱۹۸
 سلطان آباد ۳۹۶
 سلطان سلیمان ۱۰۳
 سلطان سلیم ثانی ۱۰۳
 سلطان محمد فاتح ۷۱۸-۷۱۷، ۱۰۲
 سلطان محمود ثانی ۱۰۳
 سلیمان میرزا ← اسکندری، سلیمان میرزا
 سلیمانیه ۳۰۵
 سم Somme [مکان] ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۹۶، ۳۹۶-۳۹۷، ۷۴۷-۷۴۶، ۷۵۵
 سنجابی [ایل] ۴۱۹، ۲۹۲، ۵۱، ۴۵
 سنج ۷۴۷، ۵۹
 سودربرگ ۳۲۵
 سودرتلیه Södertälje ۳۵۱
 سوریه ۲۲۵
 سوژن Souchon ۴۱۴
 سوئد، سوئدی ۴۲۲، ۳۳۱، ۳۲۲، ۳۰۹
 ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۵
 ۳۷۱، ۳۷۶-۳۸۰، ۳۸۳، ۳۹۴
 ۴۰۹، ۴۲۴، ۴۸۸
 سویس ۱۲۸-۱۳۹، ۱۵۱، ۲۲۲، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۰، ۳۰۶، ۳۳۱، ۳۶۱
 ۳۹۶، ۴۲۲، ۴۲۵، ۵۱۸-۵۱۷
 ۵۲۱، ۵۲۹، ۵۸۰، ۶۲۷، ۶۴۳

سهام الدوله ۷۰۹، ۶۸
 سهم الملک ۳۷
 سهم الممالک ۳۶-۳۷
 سیاح، حمیدخان ۲۹۱، ۳۱۰، ۳۱۲-
 ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۳۵، ۳۴۱-۳۴۳
 ۳۴۷-۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۵۸
 ۳۵۹، ۳۶۶، ۳۷۸، ۳۸۱-۳۸۲
 ۳۹۳، ۴۲۲، ۴۵۸-۴۶۰، ۴۶۲
 سیف الممالک ۷۵، ۷۷، ۹۹، ۱۰۶-
 ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۳

ش
 شامات ۵۲۳، ۵۲۸، ۵۳۲، ۵۴۵
 شامپانی ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۷۴
 شاه آباد ۳۱۴
 شاهرودی، حاج محمدتقی ۵۵
 شاهسون بغدادی ۵۴۰
 شایدمن Scheidemann ۵۳۱، ۶۶۶، ۶۸۹
 شرف الملک ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۲-۱۱۳، ۷۰۹
 شریف الدوله ۳۶۳
 ششلی ۱۰۵
 شعاع الدوله ۶۶۱، ۶۸۶-۶۹۲
 شعاع السلطنه ۶۶۲
 شکرالله خان ۲۵، ۷۱، ۷۰۹
 شکری بیگ ۲۱۸
 شکی ۶۵۴
 شکیب ارسلان بیگ ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۲-۴۰۴، ۴۱۴-۴۱۸، ۴۲۰

۴۲۳، ۴۲۵، ۴۶۴، ۴۷۲، ۴۷۸
 سنجابی، شیرخان ۴۵
 شوستر، مورگان ۲۸۰، ۳۳۷، ۶۴۳، ۶۷۳
 شوستر ۲۳۱
 شوئس ۵۸
 شونمان Schönemann ۲۶، ۴۵، ۱۵۵
 شهریان ۴۹، ۵۰، ۹۹
 شیبانی [طایفه] ۷۳
 شیبانی، حبیب الله ۲۶، ۷۲، ۲۶۵، ۶۹۲، ۳۰۰، ۳۵۳، ۳۹۴، ۴۲۸
 ۴۴۲، ۴۴۶، ۵۱۴، ۵۱۹، ۵۲۵، ۵۳۰، ۵۹۶، ۶۳۷، ۶۴۲، ۷۰۹
 شیخ ترکمان ۳۴۹، ۳۵۰
 شیخ حسن خان ۵۹۰
 شیخ حسین خان چاکوتامی ۶۲
 شیخ رئیس ۷۷، ۴۵۵، ۵۱۴
 شیخ صالح تونسلی ۲۷۲، ۲۸۱
 شیخ عبدالصالح مغربی ۴۲۰-۴۲۱
 شیخ عبدالعزیز شویشی ۱۲۹، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۷، ۴۷۲
 شیخ عبدالقادر ۴۲۰
 شیخ عبدالمجید ۷۳
 شیراز ۱۱۲، ۱۷۱، ۲۴۶، ۲۸۶، ۳۲۹، ۳۴۲، ۴۸۸، ۶۶۲، ۷۱۳
 شیرازی، آیت الله آقامیرزاتقی ۵۳
 شیرازی، سید یعقوب ۷۰۹
 شیرازی، فتحعلی ۷۱۳

ص
 صادق اف ۱۴۰، ۱۴۳، ۲۹۷
 صالحیه ۹۱-۹۲
 صدراپی ۳۵۵
 صدرالعلماء ۲۵۲
 صدیق دفتر ۷۰۹
 صرب، صربها ۲۰۴، ۵۲۵، ۶۰۹، ۷۵۶
 صریستان ۱۳۶، ۲۳۷، ۷۴۵، ۷۴۸
 صفاییک ۵۷، ۶۷، ۷۳
 صفاء الممالک ۱۸۹، ۱۹۰، ۴۷۴، ۶۲۸
 صلاحیه ۳۴۲
 صمصام السلطنه ۳۰۴، ۵۰۹، ۵۱۳
 صنایع الدوله ۱۲۹، ۱۶۰، ۱۸۰، ۲۵۳
 صنعی، سیداحمدخان ۷۰۹
 صوراسرافیل ← میرزا قاسم خان
 صوفیه ۱۳۵-۱۳۶، ۲۲۲، ۴۲۷

ض
 ضرابی کاشانی، میرزا ابراهیم خان ۷۰۹
 ضرغام السلطنه ۲۶۵، ۳۰۴
 ضیاء السلطان ۷۰۹

ط
 طاهرزاده تیریزی ۱۱۵
 طباطبایی، سیدضیاءالدین ۲۴۲
 طباطبایی، سیدمحمد ۴۲، ۴۴، ۵۴-۵۷، ۵۹، ۷۷، ۱۰۵، ۱۱۸
 ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۲-۱۳۴، ۱۴۹
 ۱۵۱-۱۵۲، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۸

ع

عارف قزوینی ۷۴، ۷۰۹
 عاقل مختار بیک ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۴۹
 عانه ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱
 عباس خان کلهر ۷۰۹
 عباس قلی خان ← نوری اسفندیاری،
 عباس قلی خان
 عبدالباقی خان ۷۰۹
 عبدالحق حمید بیک ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۸،
 ۴۱۵-۴۱۷
 عثمانی ۳۹، ۴۲، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۵-۶۰،
 ۶۲-۷۲، ۷۴، ۷۷، ۸۲، ۸۷، ۸۸،
 ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۳،
 ۱۰۶-۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴،
 ۱۱۶، ۱۲۷-۱۲۹، ۱۳۰،
 ۱۳۴-۱۳۷، ۱۴۰-۱۴۲، ۱۴۵،
 ۱۴۶، ۱۵۲-۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱،
 ۱۶۹-۱۷۶، ۱۷۸-۱۸۰، ۱۸۵،
 ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۰۲، ۲۰۳،
 ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۶،
 ۲۳۴-۲۳۷، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۱،
 ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸،
 ۲۶۰-۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۹-۲۷۱،
 ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۲،
 ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۶-۳۱۸، ۳۲۵،
 ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۹،
 ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۸،
 ۳۶۶، ۳۷۵، ۳۸۰، ۳۸۸، ۳۹۴،
 ۳۹۵، ۳۹۷-۴۰۰، ۴۰۲-۴۰۴،
 ۴۰۸، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۷

۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۶-۱۷۷، ۱۸۱،
 ۱۹۸-۲۰۰، ۲۱۴، ۲۱۷-۲۱۸،
 ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۵۲،
 ۲۶۲، ۲۹۱-۲۹۲، ۳۰۰، ۳۰۸،
 ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۲،
 ۴۲۰، ۴۵۹، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۴۴،
 ۶۴۳، ۷۰۹
 طباطبایی، سید محمد صادق ۴۷-۴۸،
 ۵۲، ۵۸، ۶۰-۶۱، ۶۳-۶۶، ۷۰-
 ۷۵، ۸۸، ۹۲، ۹۹، ۱۰۱-۱۰۲،
 ۱۰۷، ۱۱۱-۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۹-
 ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷،
 ۱۳۰، ۱۳۱-۱۳۲، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۸۱،
 ۱۹۳، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۶
 طباطبایی، سید مصطفی ۳۹۲، ۳۹۹،
 ۴۰۱-۴۰۳، ۴۰۷، ۴۱۹-۴۲۰
 طباطبایی، سید عبدالمهدی ۷۰۹
 طباطبایی همدانی ۷۰۹
 طیب زاده ۷۴، ۷۰۹
 طرسوس ۹۳
 طلعت بیک (طلعت پاشا) ۱۱۸-۱۱۹،
 ۱۲۲-۱۲۳، ۱۳۴، ۲۱۸، ۲۴۹،
 ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۱۸،
 ۳۸۹، ۳۹۱، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۹۶
 ظ
 ظل السلطان ۳۳، ۱۵۴، ۲۴۱، ۴۲۲،
 ۶۶۱
 ظهور دفتر ۷۰۹
 ظهور الدوله ۲۴۲

۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۸،
 ۴۴۲، ۴۴۹، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۴،
 ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۸۱،
 ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۹۱، ۴۹۳، ۴۹۵،
 ۴۹۸-۵۰۱، ۵۰۷-۵۱۰، ۵۱۳،
 ۵۱۴، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲-۵۲۶،
 ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵،
 ۵۳۶، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۶۸،
 ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۵۴،
 ۶۵۵، ۶۷۰، ۷۱۷، ۷۲۳، ۷۳۷،
 ۷۴۲-۷۴۵، ۷۵۲، ۷۵۴
 عدل الملک ۲۷، ۱۸۱، ۲۴۱
 عراقی ۳۴۳، ۵۱۵
 عراق عرب ۴۰، ۷۱-۷۳، ۷۸، ۸۱، ۸۲،
 ۹۵، ۹۹، ۱۵۶، ۲۴۹، ۲۶۰، ۲۶۳،
 ۲۶۹، ۲۸۸، ۳۴۲، ۴۳۲، ۴۹۸،
 ۵۱۸، ۷۰۸
 عراقی، نورالدین ۷۰۹
 عربستان ۷۸، ۴۱۳، ۴۱۵، ۵۳۲، ۵۴۵
 عزت پاشا ۵۲۵
 عشقی، میرزاده ۷۰۹
 علاء السلطنه ۳۳۱، ۴۶۹، ۷۵۰، ۷۵۲
 علاء، حسین ۴۹۲، ۵۶۴، ۶۵۷، ۷۵۲
 علوی، ابوالحسن ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۸،
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱،
 ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۷،
 ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۱۱،
 ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۳،
 ۲۳۶، ۳۰۲، ۳۰۸، ۳۸۵، ۳۸۷،
 ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۵، ۳۹۹

۴۰۱، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۴، ۴۱۶،
 ۴۱۹، ۴۲۶، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۶،
 ۴۳۹، ۴۴۲-۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۱،
 ۴۵۵، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۵،
 ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۹۰، ۴۹۴، ۵۰۴،
 ۵۶۴، ۵۷۴، ۵۷۷، ۵۹۰، ۷۰۹، ۷۴۰
 علوی، حاجی سید محمد رضا ۷۰۹
 علی حسن بیک ۳۱۷
 علی حسین بیک ۳۳۰
 علیقلی خان [پسیان] ۶۲
 علیقلی خان ۶۶۰
 علیمردان خان بیرانوند ۳۷، ۳۸
 عماد خلوت ۶۸، ۷۰۹
 عمار لویی، احمد ۷۴۰
 عمید الحکماء ۵۶۴
 عمید السلطنه ۴۲۳
 عین الدوله ۴۶۹، ۷۵۲
 غ
 غفاری، اقبال الدوله ۴۲
 غلامعلی خان ۲۴۴
 ف
 فارس ۵۸، ۲۴۱
 فالکنهاین Falkenhayn [ژنرال] ۲۰۵،
 ۴۶۴، ۷۴۵
 فتح السلطنه ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۸۸
 فتحعلی شاه ۲۴، ۳۸
 فرانسه، فرانسوی ها ۲۸، ۱۹۰، ۲۱۶،
 ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۳۷-۲۳۹

فرنیباخ Fehrbach ۵۶۸	۲۶۴	۲۵۳	۲۴۸	۲۴۵
فریدییک [دکتر] ۲۳۵، ۲۰۰	۲۸۱	۲۷۵	۲۷۳	۲۶۸-۲۶۶
فریدالدوله ۷۰۹	۲۹۹	۲۹۵	۲۸۹-۲۸۷	۲۸۵
فریدالسلطان ۷۰۹	۳۵۶	۳۲۲	۳۱۵	۳۰۳
فوش F. Foch [مارشال] ۵۷۰، ۵۷۵	۳۸۶	۳۷۹	۳۷۲	۳۷۳
۶۱۲، ۶۰۲	۴۱۱	۴۰۶	۴۰۵	۳۹۷
فضل الله خان مهندس ۱۴۳، ۴۲۲	۴۳۸	۴۳۴	۴۳۱	۴۲۶
فطن الملك ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۲	۴۶۰	۴۵۶	۴۴۶-۴۴۴	۴۴۱
۱۱۳، ۱۱۸، ۲۹۲، ۳۸۶، ۳۸۹	۵۰۱	۴۸۹-۴۸۷		۴۷۸
۳۹۹، ۴۰۷، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۵۰، ۷۰۹	۵۱۷	۵۱۳	۵۱۲	۵۰۸-۵۰۴
فلسطين ۴۱۵، ۵۱۰، ۵۲۵، ۵۲۲	۵۴۱	۵۳۵	۵۲۳	۵۲۴
فلوچه ۶۸، ۷۶-۷۱، ۸۰	۵۶۷	۵۶۶	۵۵۰-۵۴۷	۵۴۴
فن بادن، ماکس ۵۲۴	۵۹۲	۵۷۸	۵۷۵-۵۷۳	۵۷۰
فن بلوشر ۶۸۳	۶۰۲	۶۰۱	۵۹۹	۴۹۸
فن تیرینتز ۳۴۵، ۳۹۴، ۴۰۴-۴۲۶	۶۲۴	۶۱۲	۶۱۱	۶۰۷-۶۰۴
فن درگلس von der Goltz ۳۹، ۵۷	۶۴۸-۶۴۵	۶۴۳		۶۳۶-۶۳۳
۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۶، ۳۹۶	۶۶۴	۶۶۳	۶۵۴	۶۵۲
فن روزنبرگ ۴۹۱، ۵۱۱	۶۹۶	۶۹۵	۶۹۳	۶۸۹
فن کاردورف Kardorff ۲۵۵، ۲۶۴	۷۵۳	۷۵۰	۷۴۷	۷۴۶
۳۰۴، ۴۸۰، ۶۴۴	۷۵۶	۷۵۵		
فن کلن Kühlmann ۵۱۱، ۵۱۸				فرانکفورت ۳۸۸
فنلاند ۲۴۵، ۳۵۱، ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۹۷				فرانکی پو [جزیره] ۱۳۲
۶۰۰				فردریک ششم ۵۵۰
فن ویزندونگ Wesendong	۲۴۵	۲۴۳	۲۴۱	فرزانه، میرزا اسمعیل ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵
۱۷۸، ۱۷۲-۱۷۰، ۱۵۳-۱۵۰				۳۱۰، ۳۳۳، ۴۲۳، ۷۱۲
۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۵				فرزین، محمدعلی ← میرزا محمدعلی
۲۰۲-۲۰۴، ۲۰۷-۲۰۶				خان کلوب
۲۱۰، ۲۲۸، ۲۲۵، ۲۲۰، ۲۱۴-۲۱۲				فرقه دموکرات ۳۱۰، ۴۲۳، ۷۲۱
۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۴				فرمانفرما ۲۷، ۴۵، ۱۵۵، ۱۸۰، ۱۸۱
۲۵۶، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۲				۲۴۱، ۴۰۰، ۶۶۱

احمدخان قزوینی	۲۸۰، ۲۹۶، ۳۰۶، ۳۵۰، ۳۵۳
قزوینی، میرزامحمد خان ← میرزامحمد	۴۳۹، ۴۴۰، ۴۵۴، ۴۷۲، ۴۹۷
خان قزوینی	۵۱۴، ۵۲۵
قشقای ۲۶۵، ۳۰۴	۴۹۸، ۴۸۸، ۴۸۲ Hentig
قصر شیرین ۲۱، ۴۲، ۴۴-۴۹، ۵۱، ۵۲	۵۰۳
۶۹، ۷۱، ۸۸، ۹۹، ۱۱۸، ۱۵۶	فن یاگو Jagow ۲۰۴
۱۹۸، ۲۶۷، ۳۰۴، ۳۳۹، ۵۱۵	فوادیک ۱۳۵
۵۱۶، ۷۱۳، ۷۴۴	فورست ۳۶۲
قفقاز ۷۳، ۹۵، ۲۶۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۷۴	فوزی بیک ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۶۴، ۶۵
۳۸۲، ۴۶۱، ۴۹۸، ۵۰۸، ۵۱۴	۶۷، ۶۹، ۷۱-۷۳، ۷۲، ۱۲۵، ۲۶۵، ۲۹۰
۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۶، ۷۵۴	فولکه [ماژور] ۳۲۴، ۳۶۴، ۳۷۴، ۳۷۵
قم ۲۲-۲۵، ۲۷، ۴۴، ۴۷، ۶۳، ۸۳، ۸۵	۳۷۷-۳۷۹، ۳۹۳
۱۱۸، ۲۳۱، ۳۴۳، ۳۹۶	فیوم [بندر] ۶۶۳
قمی، سیدعلی ۷۰۹	
قوام السلطنه ۴۶۹	ق
قوام العلماء کرمانشاهی ۷۰۹	قارص ۵۰۸
قوام الملک شیرازی ۶۲، ۴۸۸	قائم ۹۰
قونیه ۹۶، ۹۷	قاضی، جواد ۲۰۱، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳
	۲۳۰، ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۷۰، ۲۷۳
	۲۷۴، ۲۸۰، ۳۰۰، ۳۸۶، ۳۸۹
	۳۹۰، ۳۹۳، ۴۰۸، ۴۱۸، ۴۲۵
	۴۴۵، ۴۵۴
	قراسو ۸۵
	قراطاق ۲۳۷
	قره العین ۴۲۱
	قرنه ۷۶
	قرنل رباط ۴۹، ۶۸، ۷۲
	قزوین ۵۳، ۱۱۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۳
	۳۲۱، ۳۲۳، ۳۹۳، ۴۸۸، ۷۴۸، ۷۵۴
	قزوینی، میرزا احمدخان ← میرزا

ک

کادونا Cadorna ۴۴۹

کارسکی Karski ۳۱۱

کارون ۳۱

کاشان ۲۴-۳۰، ۸۳، ۱۷۱، ۵۸۷

کاشانی، سیدفاضل ۷۴، ۷۰۸

کاشانی، سیدمحمدتقی ۳۸

کاظمین ۴۶، ۵۰-۵۴، ۵۷، ۷۰، ۷۱، ۷۳

۷۸، ۲۹۲، ۶۵۴

کامران میرزا ۲۴۱، ۴۲۲

کانیتس Kanitz [کنت] ۳۸، ۳۹، ۶۷

۴۲۸

کلنل محمدتقی خان ← پسیان،
محمدتقی خان
کلهر ۷۳، ۸۸
کلیمیان ← یهود
کمبریج ۱۴۱
کمره‌ای، سیدمحمد ۳۳، ۳۶
کنارد Kennard ۳۱۲
کنگاور ۳۵، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۲۵۵، ۲۶۱
کوت‌العماره ۵۱، ۵۷، ۶۹، ۷۴، ۷۷،
۱۲۰، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۷۱، ۲۳۱،
۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۷۴۴
کهریزک ۲۱
کیسلینگ [ماژور] ۴۳
کیف ۴۹۴، ۴۹۵

گ

گچکوف ۲۹۳
گراف برکدورف رانتزاو - Brockdorff
۵۶۷ Rantzau
گراف دونیلو ۳۹۳
گراف روزنبرگ ۴۰۴
گرجستان ۲۸۲، ۵۱۸
گری، سرادوارد ۲۱۹، ۳۴۲، ۴۶۱
گرینبرگ ۳۲۲
گلپایگان ۲۵، ۳۳، ۳۴
گلدنبرگ ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۴۳،
۳۶۶
گوته ۵۵۲
گورکاما Gurkha ۱۶۶
گیلان ۲۱، ۵۰۵، ۵۶۵، ۷۳۳

۱۵۱، ۱۹۸، ۳۹۶
کپنهاگ ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۸
کربلا ۵۴، ۵۵، ۷۱، ۷۵، ۸۰، ۶۵۴
کرج ۲۴۱
کردستان ۵۰، ۵۹، ۷۸، ۲۰۵، ۴۴۸،
۵۱۱، ۶۵۴
کرزن [لرد] ۲۵۴، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳
کرکوک ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۹۲، ۳۰۴، ۳۰۵،
۴۲۸، ۴۲۹، ۵۱۰
کرمان، کرمانی ۳۲۳، ۵۴۰
کرمانشاه ۳۵، ۳۹-۴۴، ۴۶، ۵۳، ۷۲،
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۵۵-۱۵۷، ۱۶۲، ۱۷۰،
۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۰-۱۸۵، ۱۸۷-۱۹۰،
۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۷-۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵،
۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۳،
۲۲۵-۲۲۸، ۲۳۶-۲۴۱، ۲۴۵، ۲۵۱،
۲۵۴، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۹، ۲۹۲،
۲۹۸، ۳۰۴، ۳۲۳، ۴۲۸، ۴۹۸، ۵۰۹،
۷۰۸، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۴
کرنه ۴۵، ۵۳، ۶۳
کرنسکی ۲۹۳، ۳۲۶، ۳۵۴، ۳۹۵، ۳۹۶،
۳۹۸، ۴۰۶، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۱،
۴۵۳-۴۵۶، ۴۶۱
کریم کرد ۳۵۰
کزازی، سیدحسین ۵۲، ۵۵، ۶۳، ۳۰۵،
۴۱۹، ۴۶۶، ۵۰۹، ۵۷۵، ۷۰۸،
۷۴۰، ۷۱۳
کلک بغازه ۹۳
کلمانسو ۵۰۵-۵۰۷، ۵۷۶، ۵۷۸، ۶۳۴،
۶۴۸، ۶۵۱، ۶۶۳

ل

لاسه ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۸، ۵۹۰، ۶۱۷،
۶۶۱، ۶۶۹، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۴، ۷۰۳
لپاردی [ماژور] ۸۸-۸۹
لرستان ۴۱
لرن ۲۱۳، ۳۰۱، ۳۴۱، ۳۷۴، ۴۴۳،
۵۰۵-۵۰۷، ۵۲۳، ۵۳۵، ۵۴۸،
۵۶۸، ۶۰۲، ۶۱۲، ۶۸۱، ۶۸۹، ۶۹۵
لمینگتن [لرد] ۴۸۰
لسدن ۲۱۶، ۲۶۶، ۲۹۶، ۳۰۳، ۳۲۹،
۳۳۱، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۸۳،
۳۹۲، ۴۰۰، ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۱۱،
۴۱۴، ۴۲۴، ۴۳۲، ۴۹۷، ۵۵۰،
۵۵۶، ۵۸۰، ۶۴۵، ۶۴۹، ۶۶۳،
۶۶۸، ۶۶۹، ۶۹۳
لنزدان Landsdowne [لرد] ۴۶۳، ۴۶۱
لنین ۳۵۴، ۴۴۸، ۴۵۵، ۴۶۱، ۴۹۷،
۴۴۶، ۴۴۷، ۴۷۰، ۶۷۱
لوبلن ۱۹۵
لوف Lvov ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰
لودنسدورف ۳۵۸، ۴۹۹، ۵۷۴،
۵۸۴-۵۸۶، ۵۹۶، ۶۲۷، ۶۲۹،
۶۳۰، ۷۵۳، ۷۵۶
لوید جرج ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۴۲۶،
۴۵۳، ۴۶۷، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۹،
۴۹۰، ۵۵۶، ۵۹۷، ۶۴۸، ۷۴۷
لویی ناپلئون ۶۰۵، ۶۲۴
لهستان، لهستانی ۱۹۵، ۵۴۵، ۵۷۳،
۵۷۵، ۵۶۷، ۶۱۲، ۶۴۷، ۶۴۸،
۶۶۴، ۷۳۶

لیاخوف ۳۳۷، ۷۳۰
لیکنخت ۵۶۴
لیتن [دکتر] ۳۹۶، ۳۹۷، ۶۴۴، ۶۸۴
لئون ۱۹۴

م

ماهرلی، جیمز فردریک ۷۴۳
ماچیلی ۳۸۱، ۳۸۲
مادرید ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵
مارسی ۶۴۳
مارلینگ ۴۸۴
مازندران ۱۵۴
ماشاءالله خان کاشی ۳۸، ۲۴۴
مان، اسکار ۱۴۷، ۱۹۷، ۲۳۰، ۲۶۵
مان، رمن ۳۲۶
ماهی دشت ۴۵
متین السلطنه ۳۱۵
مجارستان ۱۲۱، ۱۳۶، ۴۱۲، ۵۱۷،
۵۴۶، ۵۴۸، ۶۳۹، ۶۴۶
مجیدخان ۲۹۱
مجید دفتر ۷۰۹
محتشم السلطنه ۱۳۹، ۱۷۳، ۲۳۳،
۲۴۳، ۲۶۸، ۳۳۱، ۴۴۰، ۵۵۶
محسن خان [ماژور ژاندارمری] ۳۸۸،
۴۳۲
محلای، شیخ علی ۷۰۹
محسن میرزا ۷۰۹
محمدتقی خان مافی ۳۹
محمدخان ۳۷۰، ۳۷۷
محمدعلی مافی ۷۱۶، ۷۴۰

۱۵

۱۵

۱۵

۱۵